

شهرستان نیشابور فیروزه فیروزه تراشی در حرا

عیسی نیکوکار

مرا طوق طلا کن گردن انداز
مرا فیروزه کن کنج لب انداز
«کارگر معدن فیروزه میشود»

لب بوم آمدی چادر سر انداز
اگر طوق طلا چیزی نباشد

رود، غرض معدن نیشابور و فیروزه این معدن است.

معدن فیروزه‌ی نیشابور

معدن فیروزه‌ی نیشابور در ۶ کیلومتری نیشابور و در ۱۹۰ کیلومتری غرب شهر مشهد در دل کوه‌های بلند و صخره‌های مواد سخت از جنس آتش‌فشانی واقع است. کوهی بلند به ارتفاع تقریبی ۲۵۰ متر بنام «رعیش‌گ‌R.A.I.G» جایگاه اصلی معدن فیروزه نیشابور است (عکس شماره ۱) این کوه از رشته کوه‌های «شاهزاده حسین اصغر» (از نواده‌های امام‌زین العابدین (ع) است. معدن فیروزه با مرقد امام‌زاده در حدود ۱۲ کیلومتر فاصله دارد. این رشته کوه به کوه «سی‌سر» وصل می‌شود.

معدن فیروزه‌ی نیشابور قدیمی‌ترین معدن فیروزه‌ی ایران است. عده‌ای از معدن‌داران سابق معتقدند که قدمت آن به دو هزار و یکصد سال قبل از میلاد مسیح میرسد و مدت چهار هزار سال استخراج آن سابقه دارد. متأسفانه از تاریخچه‌ی این

این مقاله گزارشی از يك تحقيق اجمالي و مقدماتي در باره‌ی فیروزه‌خراسان است. تحقيق کامل و جامع در این باره به‌رازی تکمیل پژوهش‌های «منوگرافی فیروزه‌ی خراسان» چاپ و منتشر خواهد شد.

۱- معدن فیروزه‌ی دامغان در ده باغو «Bâgu» بین شاهرود و دامغان واقع است. تقریباً مدت ده سال است که استخراج می‌شود و در حدود ۳۰ نفر کارگر دارد. بیشتر فیروزه‌ی این معدن «شجری» و «شوده‌ناک» است و نوع «مجسم» مرغوب کم دارد.

- معادن فیروزه‌ی طبرس و کاشمر فعلاً استخراج نمی‌شوند.
- معدن فیروزه‌ی قوچان چندسال است که شناخته شده و سنگ‌آهن آن بازار می‌آید. فیروزه‌تراش‌ها آنرا فیروزه نمی‌دانند و «سنگه قوچان» می‌خوانند زیرا که فیروزه‌ی رنگ نیست بلکه کاملاً سبز رنگ است. از آن اشایی نمننی از قبیل زهرسبک‌داری و فندیس حیوانات می‌تراشند.

ایران زمین برآستی گنجینه‌ی شگفت از انواع ذخائر گرانبهاست. سخن از معدن ایرانست؛ معادنی فراوان و متنوع. این گنجهای دیرپای علاوه بر گرداندن چرخ اقتصاد این ملک، تأثیرات فراوان دیگری در شئون اجتماعی ایران بجای نهاده و از این رهگذر مسائل و روابط انسانی بسیاری را سبب شده است. یکی از این معادن، کان فیروزه است؛ که اگر پرسودترین نباشد، بی‌گمان چنانکه خواهد آمد - زیباترین و هم پرگفتگوترین آنهاست.

فیروزه، این سنگ زیبا و دل‌انگیز، از آغاز استخراج تا پایان تراش و تا وقتی که آویز گردن این و زینت بخش انگشت آن میشود؛ گروه عظیمی از کارگر و «معدن‌مدار» و «مقوم» و گوهر تراش و گوهری و مشتری به راه می‌اندازد و در دنبال، حرف و حدیث‌های بسیاری برمی‌انگیزد.

موضوع گفتار ماهمین مشمولیتها و حرف‌حدیث‌هاست. البته بر آن نیستیم که فیروزه را بشناسیم بل در این میان آدمی را می‌جوئیم؛ آدمی آزمند و سودجو، آدمی رنجبر آدمی هنرمند، آدمی زیباپرست....

اکنون به بررسی آنچه که بتواند ما را در این راه یاری کند می‌پردازیم.

معدن فیروزه‌ی ایران عبارتند از: معدن فیروزه‌ی نیشابور، معدن فیروزه‌ی دامغان، معدن فیروزه‌ی طبرس، معدن فیروزه‌ی کاشمر، معدن فیروزه‌ی قوچان. ۱

(چون معدن فیروزه‌ی نیشابور شهرت و قدمت و فعالیت بیشتری دارد - چنانکه دیگر کانه‌ها از این لحاظ قابل مقایسه با آن نیستند - در این گفتار هر جا سخن از معدن و فیروزه می-



۱- کوه معدن فیروزه نیشابور.

قسمتی از فضولات معدن به رنگ سیاه در طرف راست عکس دیده می‌شود.

Montagne minière des turquoises, à Nichâbour:

Le tas de terre provenant du creusage de la carrière se voit à gauche, en noir.

بود، چه اینکه طبع افسانه ساز عوام آنچه را که مبداه روشن و تاریخ معینی ندارد و پیدایش آن شگفت می‌نماید، درباره اش افسانه می‌سازد. دو دیگر آنکه چون استخراج این معدن از دیرباز مظهر حرص و آز برخی از آدمیان واقع شده و همواره میدان زورآزمایی آزمندانانه بوده است، نسبت کشف معدن به «شدادی» که خود نشانه‌ی دنیاخواهی و حرص و آز است به آزمندبهای آزمندان اشارتی کنایه‌آمیز دارد.

کارگران معدن فیروزه

از تاریخچه‌ی معدن فیروزه و حقایق و افسانه‌های فراوانی که درباره‌ی آن موجود است چنین برمی‌آید که کارگران معدن همواره، نقش عمده‌ی بی‌همده داشته‌اند؛ از این رو به اجمال به بررسی احوال و محل کار و زندگی کارگران در دیروز و امروز می‌پردازیم.

سابقه‌ی تاریخی روستای «معدن»

کارگران معدن از قدیم‌الایام تا به امروز - جز در مواردی استثنایی - اهل روستای «معدن» بوده‌اند. این روستا به نام «ده معدن بالا و پایین» در نزدیکی معدن فیروزه بافاصله‌ی دو تا سه کیلومتر به معدن قرار دارد.

معدن تا قبل از سلطنت سلسله‌ی صفویه اطلاع دقیقی در دست نیست.

شدادی و افسانه‌ی کشف معدن فیروزه

تمامی فیروزه تراشها و جواهر فروشها و کارگران معدن این افسانه شگفت‌آور را درباره‌ی کشف معدن فیروزه نیشابور نقل می‌کنند:

چون شداد به اوج نیرومندی برسید خوبشتر را خدا خواند و بر آن شد خدای وار بهشتی بیافریند؛ از این روی به اقطار جهان فرستادگانی گسیل داشت تا همه‌ی زیبایی‌ها را گرد آورند و ساختن بهشت را هر چه به آیین‌تر آغاز کنند. چنین کردند. آنان فیروزه را در دل کوه‌های نیشابور کشف کردند و از آن شاخه‌های درختان بهشت را بیاراستند.

روایت دیگر چنین است؛ که چون بهشت بی‌سرانجام شداد به انجام رسید و جویهای بهشت جاری شدند؛ به فرمان شداد کسان وی همه‌ی جهان را در نور دیدند تا زینت جویها را، سنگی هر چه گرانبه‌تر و دلربا تر بیابند؛ آنان چون به نیشابور رسیدند فیروزه را یافتند و در کشیدند و فیروزه‌آبی رنگ، ریگهای بهشت افسانه‌ی شداد شد.

در تأیید این افسانه، گویند غاری هم بنام «غار شدادی» در این معدن وجود دارد. این افسانه اگر حقیقتی نداشته باشد به دو نکته‌ی جانب اشارتی دارد.

نخست آنکه دلیل بر قدمت استخراج معدن نیشابور تواند

۱- «طبق روایات «مساد» پادشاه سرستان جنوبی دو پسر داشت «شداد» و «عده» پس از مرگ «عده» «شداد» جانشین او شد و ممالک دیگر را مطیع خود کرد و بهشت شداد موسوم به «ارم» بنای اوست.» (فرهنگ مسین)

روستای معدن بیشتر قابل تطبیق است.

روستای معدن در امروز

روستای معدن دره ۶ کیلومتری نیشابور واقع است. از جاده آسفالت تهران-مشهد - بسوی تهران-از کنار کارخانه‌ی قند نیشابور جاده‌ی باریک و خاکی جدا می‌شود و پس از چند کیلومتر یک جاده مالرو و ناهموار کوهستانی از آن منشعب میگردد. در ابتدای این راه مالرو تابلویی شکسته و رنگ پریده فلزی بر دوپایه نصب شده که به زحمت میتوان خواند: «معدن فیروزه» این جاده بصورت مارپیچ از کنار کوهستان و از میان تپه‌هایی چند میگذرد. در دوطرف جاده، جالبز هندوانه و مزارع گندم دیم دیده می‌شود. پس از طی حدود ۱۲ کیلو متر باغات مختصر و نمای عمومی روستای «معدن سفلی» از میان تپه‌ها آشکار می‌شود. خانه‌ها همه گلی است و صورت قدیمی خود را حفظ کرده است. (عکس شماره ۲) پس از طی حدود یک کیلومتر از ده «معدن سفلی» به روستای «معدن علیا» میرسیم.

چنانکه از نوشته‌های محققان خارجی برمی‌آید. روستای معدن و کانه‌های فیروزه «... از سده‌ی نهم هجری یک آبادی را تشکیل میداده است. ظاهر آدران سده این منطقه را «فیشان FISĀN» مینامیدند و پیش از سده نهم احتمال دارد که نام تمامی آبادی معدن «پاشان» یا «فاشان» بوده است. درباره‌ی این فرمانهای عهد «شاه طهماسب» از «فیشان» سخنی بهمان نمی‌آید و منطقه‌ی که دو تپه‌ی یاد شده را دربرمیگیرد فقط بنام معدن خوانده شده است. فریزر در سال ۱۲۳۸ هجری از معدن نیشابور و «ده معدن» دیدن کرده. وی فاصله‌ی روستای معدن تا نیشابور را چهل میل نوشته است و جمعیت این آبادی را در حدود هشتصد تا هزار نفر ذکر کرده. ۲۰ سال بعد یعنی در نیمه‌ی سده سیزدهم هجری جمعیت ده معدن و فعالیت بهره برداران به مراتب زیادتر از این شده است.

جمعیت روستای معدن بر حسب میزان اجاره‌ی کانه‌های سرروزه و میزان استخراج تقییر می‌کرده است. بدین معنی که در گذشته نسبت کمتر عمل استخراج، کارگران بکار می‌شدند و برای



۲- منظره‌ی عمومی بخشی از روستای «معدن پایین»

Vue générale d'une partie du village de «Ma'dané Pâin».

- ۱- دك مطلع الشمس ج ۳ ص ۵۲ - به نقل از كتاب جغرافیای تاریخی ایران از نظر جهانگردان تألیف ابوالقاسم طاهری. از انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران
- ۲- دك سفرنامه فریزر ص ۴۰۸ و ۴۰۹ از انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران
- ۳- دك سفرنامه‌ی آرتور کانالی جلد ۱ ص ۲۱۲ از انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران
- ۴- ژرنال «فریه» در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «... نه چون این کارگران در زادگاهشان (بدخشان) به استخراج لؤل و دیگر سنگهای گرانها مشغول بوده‌اند، و در این فن تخصص دارند، ایرانیان آنها را بر متخصصان فرنگی ترجیح داده‌اند...»
- ۵- در سفرنامه، به اهتمام قندت الله روشی (عقرا ملو، ص ۱۶۷، از انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۲۷

کار به نقاط دیگر مهاجرت می‌کردند. بنابراین جمعیت معدن را از ده ۱۵ سال قبل تا به امروز به درستی نمی‌توان معین کرد. «هوتوم شیندلر - A. Houtum - Schindler» در سفرنامه‌ی خود چنین می‌نویسد: «دهات معدن دو نام میباشد، قلعه‌ی بالا، قلعه‌ی پایین و تخمیناً دو بیست خانوار دارد. اصل اهل این دهات از ولایت بدخشان است. آب این دهات کم است و همگی جمعیت این دو دهه اوقاتشان صرف عمل معدن میباشد، در عمل کشت و زراعت چندان اهمیتی ندارند...» ۵ یاد داشته‌ای شیندلر درباره‌ی روستای معدن که قسمتی از آن در اینجا آمده و در زمان «ناصرالدین شاه قاجار» نوشته شده، با وضع فعلی



۳- چهره یکی از کارگران معدن نیشابور.

Physionomie d'un ouvrier de la carrière de Nichâbour.

عیناً نقل می‌شود: «... صراحتاً از کانه‌های واقع در نخستین و دومین دره، دیگر کانه‌های فیروزه نیشابور، نموداری از زوال و انحطاط قدرت حکومت مرکزی و خرابی اوضاع اجتماعی ایران است زیرا از ویرانه‌های آن میتوان استنباط کرد که چگونه پادشاهان و دولتهای بی‌فکر مردم آزمند را در امر بهره‌برداری از این منبع بزرگ و بیماند شریک ساخته‌اند و چنان مستأجرین کیسه فراخ بدون رعایت اصول صحیح به کمک باروت تپه‌ها را سوراخ، سوراخ کرده‌اند».

این وضع نابسامان همچنان ادامه داشت بطوری که گاه ادامگی بهره‌برداری از بعضی غارهای معدن را غیرممکن میساخت. بهره‌برداران حریص آنچنان در سودجویی عجله داشتند که کارگران ناراضی معدن را وادار میساختند که پس از حفر حفره‌هایی در داخل غارها دوباره فضولات معدن را بجای آنکه از معدن خارج بکنند، در داخل همان حفره‌های تپه‌ی بریزند و به ایجاد حفره‌ی دیگری به پردازند. این وضع سبب شده که غارهای معدن از نظر حفاظت نامطمئن و خطرناک شود و همواره احتمال ریزش معدن بر سر کارگران وجود داشته باشد. چنانکه بارها ریزش‌های دهییبی پیش آمده و تلفات و صدماتی ببار آورده است.

کارشناسان مأمور وزارت اقتصاد که در سال ۱۳۳۲ از معدن بازدید کرده‌اند در گزارش خود در تأیید این مطلب چنین می‌نویسند: «از قرون گذشته تا چند سال پیش طرز بهره‌برداری

۱- سه سفرنامه - سفرنامه‌ی هوتمو شیندلر

این روستا به معدن فیروزه نزدیکتر است و بر فراز تپه‌ی بلندتر بنا شده است. خانه‌هایی گلی، دره‌هایی از چوب سفید و پنجره‌هایی آبی رنگ دارد. ده را مزارع گندم و هندوانه دیم احاطه کرده است. هر دو روستا جمعاً حدود ۳۰۰ خانوار جمعیت دارد. تقریباً ۱۶۰ خانوار در ده معدن علیا و حدود ۱۲۰ تا ۱۴۰ خانوار در ده معدن سفلی از ده معدن سفلی ۵۰ تا ۶۰ نفر و از معدن علیا در حدود ۱۲۰ نفر و جمعاً از هر دو روستا حدود ۲۰۰ کارگر در معدن فیروزه کار می‌کنند. در سال ۱۳۳۲ خورشیدی بر اساس گزارش مأموران متخصص شورای عالی معادن وزارت اقتصاد تعداد کارگران معدن ۱۲۰ نفر بوده است. که از این عدد ۵۰ نفر برای استخراج و ۵۰ نفر برای حمل و ۲۰ نفر برای سنگ جویی کار می‌کرده‌اند.

این دو روستا بسیار کم‌آب است و معدنی مافقط مختصری آب چشمه و قنات دارند از این رو زراعت آنها بیشتر دیم است. این دو روستا جمعاً ۵۰۰ هکتار زمین زراعتی دارند محصولات آنها ۵۰۰ خروار گندم و ۲۰۰ خروار هندوانه دیم است. مقداری هم جو می‌کارند. زراعت با تراکتور انجام می‌شود و باغ انگور مختصری هم دارند. این دو روستا دارای ۸ گله گوسفند است که جمعاً ۳۵۰ رأس گوسفند دارند تقریباً از هر دو خانوار یک نفر کارگر معدن فیروزه است.

کارگران علاوه بر کار در معدن فیروزه به کشاورزی و دامپروری نیز اشتغال دارند و ساعات فراغت از معدن را در مزارع می‌گذرانند و زنانشان هم به کار گوسفندان و گاوها می‌پردازند. (رک: عکس شماره ۳)

مردم روستای معدن بالا و پایین به لهجه‌ی فارسی نیشابوری سخن می‌گویند که برای هر فارسی‌زبانی کاملاً مفهوم است. بحث درباره‌ی این لهجه و دقیق آن مجال دیگری می‌خواهد.

بهره‌برداری از معدن فیروزه نیشابور

در آغاز که زمان آن دقیقاً معلوم نیست بهره‌برداری از معدن به شیوه‌ی صحیح‌تری انجام می‌گرفته، بدین ترتیب که بهره‌برداران با احداث نقب‌هایی، همچنان در کوه معدن پیش می‌رفته‌اند و رگه‌های فیروزه را دنبال می‌کرده‌اند. این ادعا پس از بازدید چند غار قدیمی تأیید می‌شود. اما در یک دوران نسبتاً طولانی بعات ضعف دولت مرکزی و غفلت بعضی از سلاطین (سلسله‌ی قاجاریه) استخراج معدن نیشابور بدون توجه به فن صحیح استخراج مورد بهره‌برداری یا به‌دیگر سخن در معرض چپاول مستاجرین آزمند و سودجوی قرار گرفته است. این موضوع چه خوب در کتاب «جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، مورد انتقاد قرار گرفته است. که در اینجا

بوسیله‌ی غارهایی بوده است که از سطح زمین شروع و بطور نامنظم با شیب متوسط نزدیک به قائم در داخل کوه حفر شده و سنگ استخراج شده از این غارها بوسیله دست خارج شده است.

در بعضی از مواقع که بهره‌برداران توجهی به وضع معدن نداشته‌اند، اطراف غارها را استخراج نموده و سنگهای باطله و فضولات را در قسمتهای تحتانی غار می‌ریخته‌اند به قسمیکه در وضع حاضر تمام غارها به عمق‌های مختلف پر شده‌اند...

در اردیبهشت ۱۳۲۲ که معدن به مدت ۱۰ سال به معدن‌دار جدید واگذار شد تغییراتی در شیوه‌ی استخراج آن پیش آمد. بدین ترتیب که این معدن‌دار، شیوه‌ی قدیمی را نادرست یافت. از این رو برای کسب اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی استخراج معدن به آمریکا سفر کرد و از نزدیک با طرز بهره‌برداری جدید آشنا شد و در سال ۱۳۲۶ متوجه شد که با عده‌ی کمی کارگر و با ابزارنی جدید میتوان معدن را با هزینه کمتری بهره‌برداری کرد. پس از اتمام قرارداد ۱۰ ساله بموجب قرارداد دیگری بهره‌برداری از معدن از سال ۱۳۳۲ به مدت ۲۰ سال به همین مستأجر واگذار شد. دولت نیز از سال ۱۳۳۳ از طریق وزارت اقتصاد نظارت خود را بر بهره‌برداری از معدن نیشابور افزایش داد. مستأجر معدن یک نقب (تونل) اصلی در کوه معدن ایجاد کرد که اکنون به غار آبدار معروف است.

غارهایی از این تونل منشعب می‌شود که گاه بطور عمودی در زمین فرو میرود و به غارهای القی منتهی میگردد. اکنون استخراج در این غارها ادامه دارد. سراسر تونل اصلی بوسیله چراغهایی که از یک موتور خاص معدن نیرو میگردد روشن است. این تونل ریل‌کشی شده است و بوسیله واگنهایی فضولاتی که از غارها به کمک وسایل نقاله بیرون کشیده میشود به بیرون تونل حمل میشود. چراغهای «کارپیتی» (نوعی چراغ گازی) که به دیوارهای حفرها و غارها نصب شده است فضا را روشن میکند، چنانکه در این سایه روشن کارگرها می‌توانند به کار خود ادامه دهند.

غارهای مشهور معدن فیروزه و اعتقاداتی درباره‌ی آن

«غار» در اصطلاح اهل معدن عبارت از نقب‌های القی شیب‌دار مایل به عمودی است که از قرون گذشته تا حال در دل کوه معدن ایجاد شده و گاه تا عمق ۱۰۰ متر در زیر زمین فرو رفته‌اند. این غارها از آغاز تاکنون پس از احداث بنامهای مختلفی نامیده شده‌اند. نام‌گذاری براساس اتفاقات و حوادثی

است که در آن غارها پیش آمده و با جهت شکل یا رنگ طبیعی آنها و با به اسم معدن‌دار معروفیت یافته است. مشهورترین آنها عبارتند از:

۱- غار عبدالرزاقی یا بواسحنی ۲- غار ملکی ۳- غار زاک ۴- غار قره دم ۵- غار چراغ کش ۶- غار آبدار ۷- غار سبز ۸- غار زرد ۹- غار انجیری ۱۰- غار سرکوه ۱۱- غار کمبری *kamiri* ۱۲- غار خروج بسیاری نامهای دیگری می‌توان یافت. اما در میان همه غارها، غار بواسحنی به علت فیروزه‌های اصل و مرغوبی که از آن استخراج شده و از جهت قدمتی که دارد شهرت و اهمیت بیشتری داشته است. چنانکه «حافظ» نیز در بیتی به فیروزه آن اشارتی دارد:

اعتقادات راستی خاتم فیروزه‌ی بواسحنی

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
اعتقادات عامیانه‌ی درباره برخی از غارها در میان کارگران معدن موجود است از این قبیل: چون قبلاً غار «چراغ کش» - *Cerâqkuş* = چراغ کش دارای فضای مرطوب و دمدار بوده، چراغهای قدیمی که با روغن میسوخته، خاموش میشده است. کارگران اعتقاد دارند که جن‌ها چراغها را فوت میکردند. از این رو به غار چراغ کش موسوم شده است. دیگر آنکه چون «غار خروج» عمیق بوده و در آن صدا منعکس میشده است کارگران را به این باور واداشته که جن‌ها جشن‌های عروسی خود را در این غار برگزار میکنند و این صدا، آوای پاپکوبی و نوازندگی جن‌هاست.

شیوه‌ی قدیمی استخراج فیروزه

تاسی سال پیش معدن فیروزه بصورت بسیار اولیه استخراج میشده است. هانری رنه‌دالمانی که در سال ۱۹۰۷ میلادی به ایران سفر کرده و از معدن فیروزه گذشته، در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «فیروزه را به دو طریق استخراج می‌نمایند: طریق اول آنست که سنگهای معدن را می‌ترکانند و فیروزه را بدست می‌آورند و طریق دوم آنست که در رسوبات با جاهائیکه سابقاً استخراج بعمل می‌آمده کاوش می‌کنند. نتیجه‌ی طریق اخیر بیشتر از طریق اول است...» استخراج به طریق دوم صورت یک کاوش ساده را داشته و با کلنگ انجام میشده. اما طریق اول بسیار مشکل و پرزحمت بوده است. بدین ترتیب که کارگری یک میله بلند آهنی بنام «دیرم» *Deyram* = دهل» به دست میگرفته است و نوک نیز آنرا بر روی صخره‌ای قرار میداده، آنگاه کارگری دیگر با «پک پک» - *Poik* سنگین و بزرگ ضرباتی بر سر دیگر دیرم فرود می‌آورده است. تا حفره‌ی در حدود دو وچوب در صخره‌ی سخت ایجاد کند. هر

کارگر بهنگام کوبیدن هر ضربه محکم پتک آهنین بر «دیرم» از ته دل فریاد برمیآورد: «علی جان» دیگری پاسخ میداد: «علی زورت بده» یا «علی پارت. بهتریزن»، بدین ترتیب در دل کوه فریاد انسان رنجبر و ابزارش با ناله‌ی شکستن صخره‌های سیاه در هم پیچیده و آوای مصاف انسان و طبیعت را بوجود می‌آورد. پتک کوبیدن علاوه بر روز احتیاج به مهارت داشت چه اگر در فضای تاریک غار مرد پتک‌زن کوچکترین غفلتی میکرد، پتک با همه‌ی سنگینی و محکمی به سختی بر روی دست سرد دیلم‌دار فرود می‌آمد و دستش را خرد میکرد. پس از اینکه حفره ایجاد میشد؛ داخل آنرا از باروت پر می‌کردند و فتیله‌ی به آن وصل کرده اطراف آن را با گل می‌پوشاندند؛ آنگاه انتهای فتیله را آتش میزدند. و خود کمی دورتر در پناهگاهایی؛ البته نه چندان مطمئن، پنهان می‌شدند تا انفجار صورت گیرد. پیش از این طریق فقط کار استخراج در کوه مانند کار در تپه خاکی فقط با کلنگ انجام میشد. هر روز کلنگ خود را تیز می‌کردند و بجان کوه می‌انداختند. بدین شیوه نادرست قسمتی از فیروزه نرم میشد و قسمتی دیگر سالمتر به دست می‌آمد.

ابزاری که در این دو شیوه بکار میرفت و هنوز هم بعضی از آنها به حیات خود ادامه میدهند عبارتند از:

۱- «دیرم - Deyram = دیلم» میله‌ی بلند از آهن که مورد استفاده آن گذشت.

۲- «پتک - Portk» که بشکل چکش است با اندازه‌ی بزرگتر از چکش معمولی.

۳- «کلنگ - koleng» که با کلنگ معمولی فرقی ندارد و برای حفاری معدن خاکی و یا شکستن صخره‌ها و تکه‌سنگها بکار میرفت.

۴- «غریبل - qarbil» که با غریبال معمولی فرقی داشته بدین ترتیب که پوست دباغی شده گوسفند درته و چنبری از چوب به دور خود داشته است. غریبل را از سنگهای زائد پر میکردند و کارگران بدوش میگرفتند و پس از طی راهی دراز و تاریک و بالا رفتن از پلکانی بلند که گاه تعداد پله‌های آن از ۱۵۰ پله میگذشته، به خارج از معدن حمل میکردند.

۵- «کروه - Karva» چراغی است از جنس حلبی در قسمت جلو دو فتیله دارد. مخزن آن را پراز روغن مذاب میکردند فتیله را آتش می‌زدند. این چراغ ساده با نوری ضعیف روشنایی چاهها و غارها و حفره‌ها را در زیر کوه اندکی تسامین میکرد است. و کارگران در پرتو نور آن رگه‌های آبی فیروزه را می‌جستند و بکار ادامه میدادند. البته روغن این چراغ در ناهمواری‌های راه غار می‌ریخته و احتیاج به روغن ذخیره،

داشتند.

۶- «روغن دون - Rowqan dun» ظرف ذخیره روغن چراغ که آنرا پراز روغن میکردند و همیشه به همراه می‌داشتند.

۷- «انبون - Anbun» = انبان پوست گوسلند را پس از جدا کردن بصورت کیسه‌ی در می‌آوردند. و چون «غریبل» برای حمل سنگهای فیروزه بکار می‌بردند.

«چال شویی - Čâlšy» عمل شستن سنگ فیروزه را گویند.

سنگ‌های فیروزه را پس از استخراج برای اینکه از خاک و گل پاک شود و رگه‌های فیروزه بخوبی نمایان گردند آنها را در داخل گودالی بنام «گول - Gul» که در نزدیکی معدن بود (و هنوز وجود دارد) می‌ریختند و می‌شستند.

هانری رنه در سفرنامه‌ی خود در این باره چنین می‌نویسد:

«... شستن سنگهای فیروزه دار کاملاً بطرز بدوی است. سنگ فیروزه دار را در حوضچه‌ی قرار میدهند تا آب از روی آن عبور کند و پس از آنکه رطوبت دید و کمی سست شد کارگران آنها را بهم می‌سایند تا فیروزه از خاک و سنگ جدا شود.». «ضابطه‌ی این معدن از خاطرات خود چنین نقل میکرد:

معمولاً پسر بچه‌ها کار شستن فیروزه را در این حوضچه‌ها به عهده داشتند. سن این کارگران خردسال بین ۱۰ تا ۱۲ سال بود. استفاده از بچه‌ها در کار چال شویی با مزد کمی که میگرفتند برای معدن دار مقرون به صرفه‌ی بیشتری بود. (هانری رنه در سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری با نمایش عکسی این صحنه را بخوبی نشان داده است).

این کودکان روزانه بین ۲ تا ۳ قران مزد میگرفتند.

چال شویی بدین ترتیب بود که ابتدا سنگهای فیروزه دار در گول (Gul) می‌ریختند و با بیل بهم می‌زدند. آنگاه کودکان با پاهای کوچک و عریان خود سنگها را لگد میکردند تا رگه‌های فیروزه کاملاً آشکار شود. کودکان روستایی فقط برای کمک به خانواده‌ی خود به این کار تن در می‌دادند و پاهای کوچک خود را رنجور می‌کردند. و مجروح می‌ساختند. گاه کودکان همچنانکه کار میکردند در میان گودال به دو گروه تقسیم میشدند و تصنیفی را به آواز می‌خواندند و جواب میگرفتند. چنین:

- گل مخوام، گل. - Golla Moxâm Golla.
- دخترای قره گل. - Doxtarâ-ye qaragolla.
- آش ر مخوام، آش ر. - Âšra Moxâm âšra.
- دخترای قزلباش ر. - Doxtarâ - ye qazalbâšra.



- چال شویی (câlsuyi) عمل شستن فیروزه
(سفرنامه‌ی خراسان تا بختیاری از
هانری رنه).

Opération du lavage des
turquoises (câlsuyi) (d'après
une gravure de la relation de
voyage de Henri René: «DE
KHORASSAN A BAKHTIARI»)

بیماریهایی مختلف مبتلا میساخت که رایجترین آنها عبارت
بودند از:

۱- «قره قبدال» *qara qabdâl* شایع‌ترین بیماری در
میان کارگران بود. عوارض آن دل درد و استفراغ بود. این
بیماری از کار سنگین پتک‌زدن و باربری سرچشمه میگرفت.
۲- «تنگک نس» که گویند بعلت دم‌داشتن غارها وغیر
بهداشتی بودن آنها و دشواری تنفس کارگران را عارض
میشد.

۳- «سرما خوردگی» و «دردسینه» - بعلت عدم روزنه
و منفذ راه تهویه، هوای گرم و دم‌دار معدن کارگران را
آزار میداد. بهنگام پتک‌زدن پیکر کارگران سراپاخیس عرق
میشد و آنان به ناچار جز پاتابه و شلوار کلبه‌ی لباسهای خود
را می‌کنند و نیمه‌عریان به کار می‌پرداختند و درفواصل کار
بدن پر از عرق آنان یخ میزد و موجب انجاماد فوری ماهیچه‌ها
میشد و به سرماخوردگی‌های مکرر و طولانی مبتلا میشدند
و این سرماخوردگی با عوارضی نظیر بدغذایی و کم‌غذایی به
بیماری سل میکشید.

مباشرو، ضابط‌باشی، ضابط

علاوه بر کارگران، اشخاص دیگری در استخراج فیروزه
مشاغلی داشتند که جز مباشر که شهری بود. بقیه اغلب از
میان کارگران معدن انتخاب می‌شدند.
۱- «مباشرو» که در حقیقت نماینده‌ی مستاجر معدن در

کارگری بر سر معدن فیروزه نیشابور میخواند:
«دل من طاقت دوری نداره»

نمک بردست من شوری نداره
به سرم دستهای بی نمک را
بگیرم دامن چرخ فلک را»

کارگر در شیوه قدیم استخراج

جز در فرمتهای کوتاهی که کارگران با وسائل بسیار
اولیه خود به استخراج و بهره برداری از قسمتهایی از معدن
می‌پرداختند؛ معدن عموماً در اجاره‌ی مستاجرین غیر معدنی
بوده است و معدنی‌ها فقط کارگر پایکار. چه گاه «معدن مدار»
مالیات مردم آبادیهای معدن را جزو اجاره معدن پرداخت
میکرده و در عوض آنان را به بیگاری میکشیده است. زمانی هم
که کارگران مزد میگرفتند اغلب مزدشان عقب میافتاد تا
اینکه بصورت حواله از دکانداری که معدن‌دار معین میکرد
مواد اولیه‌ی زندگی را دریافت میداشتند. هر روز صبح کارگران
سفره خود را می‌بستند و اغلب تکه‌ی نان و قدری ماست -
خیچی و گاه حلوا و کوکو - که آن را «کوکی *Kuki*» می-
نامند بر میداشتند و به دنیای تاریک معدن فرومی‌رفتند. ساعات
کار معین و محدود نبود و با مقدار ظهور فیروزه در معدن تناسب
مستقیم داشت. اگر فیروزه فراوان بود کار از صبح که شروع
میشد تا پاسی از شب ادامه مییافت. این کار طولانی و سخت
در مکانی تاریک و مرطوب و اغلب دم‌دار، کارگران را به

محل بود و مسئولیت اداره‌ی معدن و کارگران را بهمه داشت.

۲- «ضابط‌باشی» که در کار معدن، شخصی آگاه بود و علاوه بر کمک به‌مباشر در داخل معدن نیز به‌امرونی کارگران می‌پرداخت و هم محل «چال‌زدن» و استخراج فیروزه را معین میکرد.

۳- «ضابط» که معاون «ضابط‌باشی» بشمار میرفت و به طرز کار کارگران در معدن نظارت داشت و آنها را به کار سریع‌تر و بیشتر اادار میکرد و به‌زعم خود مانع وقت‌گذرانی و تنبلی کارگران میشد. او کارگری را که اندک تعللی میکرد از داخل معدن به‌نزد «ضابط‌باشی» میفرستاد و ضابط‌باشی مزد آن‌روزش را کسره‌یکرد.

در قدیم - چنانکه کارگران نقل می‌کنند - گاه کارگران را در صورت اندک تخلنی به‌شیوه‌های مختلف تنبیه می‌کردند و گاه در جلو معدن به‌چوب می‌بستند.

دستمزد کارگران در قدیم

چنانکه اشاره کردیم در بسیاری موارد کارگران مزد معین و ثابتی نداشتند. گاه عده‌ی از آنان رعیت مستأجر بودند که پس از کار در مزارع او به‌صورت بیگاری در معدن مشغول می‌شدند. گاه مستأجر مالیات سرانه روستای معدن را ضمن اجاره معدن به‌عهده می‌گرفت و به‌این‌بهاغه از کارگران بیگاری می‌کشید. گاهی هم مزد داشتند. آنطور که صنیع‌الدوله می‌نویسد: «مزد کارگران در حدود سال ۱۳۵۳ هجری از چهار شاهی تا ده شاهی متغیر بوده است.» یکی از کارگران کهنسال معدن از مزدهای سی‌شاهی تا ۴ قران یاد می‌کرد میزان پرداخت مزد به‌نظر خاص «مباشر» و «معدن‌مدار» بستگی داشت. در سال ۱۸۸۲ میلادی مزد روزانه کارگران معدن بطور متوسط ۵ قران آن زمان و مزد سنگتراش به‌طور متوسط ۲ قران بود»

شیوه‌ی کنونی استخراج

نگارنده در شهریورماه ۱۳۵۳ به‌بازدید از معدن مشهور و پرمآجرای فیروزه‌ی نیشابور توفیق یافت. در این هنگام بیش از یکماه از تحویل معدن به‌دولت می‌گذشت و دولت رأساً به بهره‌برداری از این معدن مشغول بود.

اکنون معدن دارای ۲۵۰ کارگر و ۲۵ کارمند است که یک نفر مهندس سرپرستی آنها را به‌عهده دارد. کارگران به میزان تخصص و سابقه‌ی کار بین ۱۳ تا ۴۵ تومان مزد می‌گیرند و از بیمه نیز برخوردارند. آنان در حدود ۷ ساعت در

روز کار میکنند و ساعت ۱ بعد از ظهر کارشان پایان می‌گیرد. در آغاز ورود به‌معدن برای رعایت ایمنی به‌کلاه فلزی مخصوص کار در معدن مجهز می‌شوند و هر گروه در قسمتی از غار به جدا کردن سنگ فیروزه می‌پردازد. این کار را «ورچیدن Var čidan» می‌نامند. هر قسمت از غار را که برای استخراج باز می‌کنند یک پیشکار می‌نامند. و پیشکارها را باشماره‌های ۱، ۲، ۳... نامگذاری میکنند. کارگران معدن فیروزه چون بسیاری از کارگران معادن افرادی بی‌اطلاع و معمولی نیستند. اینان اغلب فیروزه شناسند و انواع فیروزه را از هم تمیز میدهند و معمولاً در مورد خواص این با آن نوع فیروزه بگو مگو دارند و فیروزه‌شناسی نوعی اشتغال ذهنی برای آنانست حتی میتوان گفت که به‌فیروزه عشق می‌ورزند.

کارگران هر بامداد که وارد غار می‌شوند. با اشتیاق خاص و نگاه دقیق و کنجکاو به‌بررسی حاصل انفجاری که بعد از ظهر روز قبل انجام داده‌اند می‌پردازند تا ببینند معدن چه بار آورده است. بر سر فیروزه‌ی که می‌بایند با هم بحث و گفتگو میکنند. هر کس فیروزه‌ی قیمتی بیابد تشویق می‌شود. آنچه در سایه روشن غارها توجه نگارنده را جلب کرد. چشمان بعضی از کارگران بود. چشمانی برنگ‌آبی فیروزه‌ی. آیا رابطه‌ی بین کار با فیروزه و رنگ چشمان آبی آنان وجود دارد؟ اکنون فقط غار آبدار استخراج می‌شود. این غار تونل طولی دارد که ریل‌کشی شده و واگن‌هایی در آن رت و آمد می‌کنند و مدخل غار از همین تونل است. همچنانکه از نام غار آبدار برمی‌آید در این غار حین استخراج به‌آبهای زبر زمینی برخوردند. این آبها را بوسیله لوله‌کشی و به‌نیروی تلمبه برقی از غار بیرون میکشند تا استخراج فیروزه ممکن شود. چنانکه گفتیم انفجار هر روز عصر بعد از کار روزانه انجام می‌گیرد. مسئولین انفجار افراد معینی هستند و محل انفجار بوسیله‌ی شخص متخصص معین میشود. انفجار با دینامیت و باشیوه‌ی کنترل شده و بی‌خطر انجام می‌شود. روز بعد طبق معمول کارگران به‌کار در محل انفجار می‌پردازند.

کارگران پس از ورچیدن سنگ‌های فیروزه دار آنها را در کیسه‌هایی به‌حجم ۱ تا ۱/۵ کیلوگرم که از جنس کرباس سفید است میریزند و با نظارت «ضابط» یا «ضابط‌باشی» سر کیسه‌ها را می‌بندند و به‌شماره‌ی همان پیشکار مهر و موم می‌کنند. بعد یکی از کارگران که مأمور انتقال این کیسه‌ها به‌خارج از معدن است به‌صدای بلند تعداد آنها را اعلام میکند و سپس کیسه‌ها را از معدن خارج می‌سازد. در جلو معدن

۱- «کتاب‌النبأ» شماره چهارم - مقاله «موسسه و صنعت در دوره قاجار و اثر غرب بر آن» نوشته‌ی فرهاد نسایی.

وزن هر کیسه معین می شود آنگاه تمام کیسه ها را در کیسه‌ی معمولی بزرگی میگذارند و سر آن را می بندند و مجدداً وزن می کنند؛ وزن کیسه های کوچک و بزرگ بر روی کارتی که برای هر کدام تهیه شده با ذکر تاریخ ثبت می شود و کارت را به داخل کیسه ها می اندازند و موقتاً کیسه ها را در انبار مخصوصی نگهداری می کنند.

فضولات معدن را بوسیله واگن ها به خارج از معدن حمل می کنند و در فضای باز در محلی که با مدخل تونل معدن در حدود ۵ متر فاصله دارد انبوه می کنند. (عکس شماره ۴) در نزدیکی نزدیکی این محل خط سفیدی با گچ کشیده شده است. تا بجز مأموران مجاز فیروزه باب کسی از آن خط عبور نکند و به فضولات معدن نزدیک نشود. زیرا احتمال دارد که در تاریکی معدن قطعاتی فیروزه دار از چشم دور مانده و هنوز در داخل فضولات باقی مانده باشند. از این رو عده‌ی مأمور واری این فضولات هستند که اجازه دارند از خط سفید عبور کنند و فیروزه های باقی مانده را جمع آوری کنند و در کیسه‌ی بریزند و به انبار ببرند.



۴- فضولات معدن فیروزه با این واگن ها از داخل معدن به خارج حمل می شوند.

La terre provenant du creusage est évacuée vers l'extérieur de la carrière au moyen de wagonnets qui se voient sur la gravure.

آداب معدن

از قدیم الایام آداب و رسوم معدن چنین بوده است:

- ۱- بامدادان پیش از ورود به معدن، کارگران در جلو در ورودی معدن شیطان را لعنت می کنند.
- ۲- هنگام ورود به معدن دسته جمعی «صلوات» می فرستند.

۳- وقتی در معدن به رگه های ارزشمندی از فیروزه برسند یا به اصطلاح محلی: «معدن فیروزه میزند» گوسفندی قربانی میکنند و از گوشت گوسفند قربانی آبگوشتی می پزند و ظهر آن روز مجلس روضه خوانی برپا میکنند و به کارگران

ناهار میدهند.

۴- هرگاه بخواهند قسمت تازه‌ی از معدن را استخراج کنند و به اصطلاح «پیشکار» تازه‌ی را باز کنند. قبلاً گوسفندی را در داخل تونل میگردانند و سپس قربانی میکنند.

۵- اگر کارگری از جای مرتفعی در معدن سقوط کند و سالم بماند. بمناسبت این رفع خطر «خون می کنند» یعنی گوسفندی را قربانی می کنند.

۶- اگر معدن فیروزه خوبی بدهد به هر کارگری که در آن «پیشکار» کار می کند نهمین قند انعام میدهند.

اعتقادات کارگران معدن

۱- فیروزه سنگی مقدس است.

۲- حضرت رضا (ع) در سفر خراسان نظر برکت به معدن الکنده اند. از این رو این معدن پایان ناپذیر است.

۳- اگر در مجاورت فیروزه حرامی و ناپاکی کنند حتماً رنگ فیروزه بر میگرود.

۴- اگر نظر ناپاک به فیروزه بیفتند رنگ فیروزه سیاه و سفید می شود.

۵- اگر کارگری بناچار صبح ناپاک مانده باشد وارد معدن نمی شود و آنروز بیکار و بی مزد می ماند.

۶- مرغ «کمر گلی» *Kamar Goli*، قاصد فیروزه است. هرگاه این مرغ کوچک و سبزرنگ جلو مدخل معدن بنشیند و بخواند، بزودی معدن فیروزه‌ی بسیاری آشکار خواهد کرد.

۷- چون معدن همیشه فیروزه‌ی خوب نمیدهد میگویند: روی «کوه فیروزه» پرده‌ی غیب کشیده شده است. هرگاه پرده کنار رود فیروزه آشکار می شود.

رقم بندی و تقویم فیروزه

در سالهای اخیر سنگهای فیروزه بدون تفکیک و رقم بندی بصورت در هم ابتدا در کیسه های کوچک از داخل معدن به بیرون منتقل میشد و پس از توزین در کیسه گونی هایی می ریختند و به مشهد حمل میکردند و در مشهد رقم بندی و تقویم انجام میگرفت.

اما در گذشته رقم بندی در سر معدن انجام میشد و کار تقویم به اصطلاح محلی بعهده‌ی «عبابه دوش ها» بود. عبابه

۱- هنوز دولت در خصوص طرز فروش و عرضه فیروزه به بازار مشغول مطالعه است و تصمیمی در این مورد نگرفته است از این رو برخلاف سابق فیروزه را پس از مرحله استخراج تقویم نمی کنند. «اسر داد» ۵۳

دوشها معتمدین «ده معدن» بودند که به نشانه‌ی شیخوخیت و ریش سفیدی عبارتند. اینان علاوه بر این، فیروزه‌شناس نیز بودند، و «مقومی» میدانستند.

رسم تقویم بدین ترتیب بود که روز جمعه از طرف «معدن مدار» یا «مباشره» او «پنوپزان» میکردند و سه تن یا بیشتر از «عبا بدوش‌ها» که در کار فیروزه و شناخت آن صاحب اطلاع و نظر بودند، دعوت میشدند. اینان پس از صرف ناهار فیروزه‌ها را بر روی سفره‌ی میریختند و در حضور آنان و «ضابط‌باشی» و «مباشره» فیروزه‌ها را رقم‌بندی و تنکیک میکردند. آنگاه دستمالی را که همراه داشتند باز میکردند و بدون احتیاج به سفین‌گفتن و بحث، انگشتان دست یکدیگر را در زیر دستمال در دست میگرفتند و به اصطلاح محلی «زیرجلی zir-joli» نظر خود را در مورد قیمت فیروزه به «معدن مدار» یا نماینده او «ضابط‌باشی» یا مباشر اعلام میکردند. این نوع قیمت‌گذاری با انگشتان در میان سوداگران مروارید در دریای عمان هم رایج بوده است - البته دقیق‌تر - اما در اینجا بسیار ساده است بدین نحو که با توجه به فیروزه‌ی که پیش چشم داشتند اگر چهار انگشت طرف مقابل را در دست میگرفتند نشانه‌ی آن بود که جنس چهارصد تومان می‌ارزد، یا چهارهزار تومان یا چهل هزار تومان، و اگر دو انگشت را می‌فشردند نشانه‌ی دو صد تومان یا دوهزار تومان بود. اشتباهی پیش نمی‌آمد چون نوع فیروزه حاضر حدود ترجمان حرکت انگشتان بود. پس از اینکه همه «عبا بدوش‌ها» نظر خود را درباره‌ی قیمت فیروزه‌ها اعلام میکردند، صاحب مال یعنی «معدن مدار» یا نماینده‌اش بختار بود که هر یک از قیمت‌ها را که صحیح‌تر تشه‌فیس میدهد بپذیرد و یا قیمت نهایی را معدن همه‌ی قیمت‌هایی بداند که مقوم‌ها اعلام کرده‌اند.

ضرورت تقویم «زیرجلی» به لحاظ دو نکته بود. اول آنکه معمولاً «عبا بدوش‌ها» سواد خواندن و نوشتن نداشتند تا نظر خود را با یادداشت بر روی کاغذ اعلام دارند. دوم آنکه باید هر مقوم بطور مستقل قیمت‌گذاری میکرد تا در قیمت‌گذاری تحت‌تأثیر دیگران قرار نگیرد.

گاه بنا به صمیمیت قبلی و اعتماد جمعی از انجام تشریفات تقویم «زیرجلی» صرف‌نظر میکردند و قیمت‌گذاری آشکارا انجام میگرفت و پس از اظهار نظرهای دوستانه تقویم پایان میگرفت. هنوز تقویم زیرجلی در میان سوداگران فیروزه در مشهد رایج است.

پس از تقویم، هر نوع فیروزه‌ی را در کیسه‌ی جداگانه میریختند و قیمت آنرا بر روی کارتی می‌نوشتند و در داخل کیسه میانداختند و سرکیسه را مهر و موم میکردند آنگاه فیروزه‌ها توسط شخصی مورد اعتماد یا بوسیله یکی از شرکا

معدن‌دار به مشهد حمل میشد.

سنگ فیروزه و انواع آن پس از رقم‌بندی

سنگ فیروزه یک نوع سنگ آتش‌فشانی است که پس از فعل و انفعالاتی شیمیایی در طی قرن‌ها تبدیل به دانه‌ها یا رگه‌هایی آبی‌رنگ در میان توده‌های سیاه سنگ یا خاک شده است. ضخامت رگه‌های فیروزه درین سنگ‌های سیاه در حدود چند میلی‌متر است که بندرت به یک سانتیمتر میرسد. اما طول آنها از چند دسیمتر تا چند متر هم دیده شده است. ابعاد دانه‌های فیروزه در سنگ نیز در حدود چند میلی‌متر است ولی فیروزه‌هایی که در حفره‌های خاکی معدن پیدا می‌شود نسبتاً بزرگ‌ترند و تا یکی دوسانتیمتر ضخامت پیدا می‌کنند. این نوع مرغوبترین نوع سنگ فیروزه است و حدود سنگ فیروزه را در معدن نیشابور در حجمی در حدود ۱۵ میلیون متر مکعب تخمین زده‌اند.^۱

انواع فیروزه پس از رقم‌بندی بنا به نوع جنس آن هر یک به اسمی نامیده میشود. وجه تسمیه هر یک بر اساس رنگ و جنس و یا محل مصرف فیروزه است این اسامی شاخص نوع فیروزه است و هنوز در میان سوداگران فیروزه و فیروزه‌تراشها و جواهر فروشها معمول است. این انواع عبارتند از:

- ۱- عجمی - فیروزه‌ی گرد و درشت است. دارای فیروزه‌ی تقریباً خالص به رنگ آبی سیر که به اصطلاح فیروزه تراشها «گرچه Gereca» نامیده می‌شود این نوع فیروزه وقتی تراشیده شد، تبدیل به فیروزه‌ی صاف و خوش‌رنگ می‌شود جنس آن سخت است. فیروزه‌ی، عجمی گران‌قیمت‌ترین نوع فیروزه است.

- ۲- «عجمی نیم‌رنگ» - که از نوع قبلی کم‌رنگ‌تر است این نوع فیروزه را گویا در بعضی از کشورهای خارجی بطور مصنوعی رنگ می‌کنند.

- ۳- «عربی» - فیروزه‌ی تخت را گویند و وجه تسمیه این نوع فیروزه آنست که در عربستان مورد پسند و تقاضاست و دارای رنگ آبی سیر است.

و از نظر قیمت با نوع «عجمی» تفاوت بسیار دارد.

- ۴- «توفال» - از جنس عربی است که سنگ آن از میان رفته و فقط لایه‌ی از فیروزه با رنگ آبی سیر باقی مانده که پس از تراش، «فیروزه‌ی باب‌کر بلا» نامیده می‌شود.

- ۵- «توفال نیم‌رنگ» - تفاوت آن با نوع قبلی آنست که به رنگ روشن‌تر است.

۱- از گزارش مأموران متعصب شورای عالی معادن وزارت النصاب ملی در سال ۱۳۳۲

۶- «توفال سفید» - رنگ آبی خیلی روشن دارد.

۷- «چغاله» - فیروزه‌ی سی است درشت شبیه «فیروزه‌ی عجمی» اما به رنگ آبی کم رنگ.

جنس آن سست است بطوریکه نمیتوان آنرا به خوبی جلا داد و پرداخت کرد. به آن فیروزه‌ی باب مکه هم میگویند چون مورد پسرند کشور عربستان سعودی می باشد. چغاله از نوع نازل فیروزه نیشابور است.

۸- «شجری» - فیروزه‌های رگه‌دار را میگویند. سنگ آن به شکلی است که گویی دانه‌هایی ریز و درشت فیروزه را بر زمینه‌ی از رنگ سیاه یا زردپهلوی هم چیده‌اند. وجه تسمیه «شجری» آنست که گاه رگه‌های آن بصورت شاخه‌های درخت نمایان می شود.

۹- «شکوفه» - فیروزه‌ی است ریزتر از «چغاله» و فیروزه کمی دارد این سنگ فیروزه را بصورت «شکوفه» یا «لوز» می تراشند.

۱۰- فیروزه‌ی «چال یا نرم» - این فیروزه کمی بزرگتر از «عدس» در سنگهای معدن دیده می شود. آنرا بصورت گرد می تراشند. این فیروزه قبلاً در آمریکا فروش داشت و همچنین به هندوستان صادر میشد و در آنجا برای خال‌پوشی که نوعی آرایش سنتی زنان هند است مورد استفاده قرار میگرفت و نیز از آن نوعی انگشتری بنام انگشتری همپتی می سازند که مورد پسند مردم هند است. از این نوع فیروزه در تهران انگشتری دوطبقه می سازند که به انگشتری «شکوفه» معروف است.

۱۱- «درشت» - سنگهای نسبتاً بزرگی است که در آن رگه‌های باریک و پراکنده و نازک فیروزه دیده میشود. این نوع فیروزه نازلترین نوع فیروزه نیشابور است.

معدن مداری

بی گمان - چنانکه از روایت مستشرقین نیز برمی آید - در زمان سلطنت سلسله‌ی صفویه معدن فیروزه نیشابور استخراج میشده و شهرتی تمام داشته و مورد توجه شاه عباس کبیر بوده است و یکی از مستأجرین معدن «عبدالرزاق» نام داشته که بهترین فیروزه را در «غار ابواسحق» این معدن کشف کرده و بنام «فیروزه‌ی عبدالرزاقی» نامیده شده چنانکه هنوز هم به همین نام شهرت دارد. و در آن روزگار فیروزه‌ی نیشابور از طریق روسیه به اروپا صادر میشده است و از این راه شهرت جهانی یافته است. در قرن هجدهم دولت توجه کافی به این معدن نداشت و مردمان روستای معدن خود با وسائل اولیه به کاوش مشغول بودند چون حسنعلی میرزا به حکومت خراسان منصوب شد معدن را به مستأجر واگذار کرد بدین ترتیب معدن فیروزه

نیشابور اغلب در اختیار دولت بوده و دولت آن را به اشخاص اجاره میداده است. البته کسانی موفق به جلب موافقت دولت و اجاره کردن معدن میشده‌اند که قدرت و حشمتی داشته‌اند. از این رو گاه برای اجاره‌ی معدن درگیری افراد قدرتمند با یکدیگر بصورت‌های مختلف آشکار میشده است و پس از اجاره نیز حفظ معدن و استفاده از آن بعت تحریرات رقاب‌ی مستأجر مشکل بوده چنانکه به کشمکشها و دسیسه بازی‌هایی منجر میشده است.

در میان کارگران معدن نیشابور داستانهای هولناکی از زمان یکی از معدن‌مداران دوره‌ی قاجار وجود دارد. مشهور است که این معدن‌دار که یکی از خوانین و متنفذان محلی بوده بر کارگران معدن بشدت حکم میرانده، آنچنانکه کارگران از ستم وی بجان می آیند و ناوی به مبارزه می پردازند. و در آشننگی جنگ جهانی دوم (پس از شهریور ۱۳۲۰) تأسیسات وی را در معدن غارت میکنند و برای مدت کوتاهی دستش را از معدن کوتاه می کنند. اما وی بقصد انتقام و نیز کسب قدرت سابق خود نیمه شبی ناچوانمردانه عده‌یی از نوکران مسلح خود را در لباس سربازان خارجی مأمور حمله به خانه‌های کلی کارگران ده نشین معدن می کند. کارگران وحشتزده به گمان اینکه ارتش بیگانه حمله کرده است؛ از خانه های خود بمیان کوه و صحرا میگریزند و کاشانه‌ی خویش را بی دفاع به تاراج نوکران این معدن‌دار وامیگذارند. اما پس از اینکه به دسیسه‌ی وی پی میبرند؛ از آبادیهای اطراف یاری می طلبند و گروهی را برای مقابله و دفع وی و نوکرانش مسلح می کنند و به آنان حمله می کنند. در این ماجرا زنی کشته و گروهی مرد زخمی می شوند.

گرچه در این گیر و دار کارگران معدن شکست می خوردند ولی بالاخره معدن دار بناچار پس از مدتی معدن را ترک می کند.

پس از وی شخص دیگری موفق می شود که معدن را از دولت اجاره کند. و گویا درگیری‌هایی میان مستأجر سابق و مستأجر جدید پیش می آید که بر حوادث معدن میافزاید. مستأجر جدید بمدت ده سال معدن را در اختیار میگیرد و پس از خاتمه قرارداد ده ساله چون دولت او را مستأجری صالح تشخیص میدهد بمدت ۲۰ سال دیگر معدن را به اجاره‌ی وی واگذار می کند. این قرارداد مدتی پیش از نگارش این مقاله پایان پذیرفت و از اوائل تابستان ۵۳ دولت خود استخراج معدن را بعهده گرفت تا آنجا که برمی آید در مدت بهره برداری

۱- سفرنامه‌ی از خراسان تا بخنباری - حابری ده دالمای H. R. D' allemagne ص ۶۸۱

این آخرین معدن دار نیز حوادثی پیش آمده و اختلافاتی بوقوع پیوسته. امسا اکنون دفتر درگیری مستاجر و کارگر پس از قرن‌ها بسته شده است.

مال الاجاره‌ی معدن

در نیمه‌ی سده‌ی سیزدهم هجری که معدن دوره‌ی فعلی را میگذرانده است درآمد دولت فقط یکهزار تومان بوده است. در حالیکه فریزر هشت سال پیش از سفر ژنرال کانالی ۲ برابر این مبلغ را بعنوان مال الاجاره معدن در سفرنامه‌ی خود ذکر می‌کند. و در سال ۱۲۹۱ هجری (۱۸۸۲ م) یعنی ده سال پیش از سفر لرد کرزن اجاره کل معدن از هشت هزار تومان تجاوز نمی‌کرد در این سال مخبرالدوله وزیر معارف و تلگراف. معادن فیروزه نیشابور را بمدت ۱۵ سال از ناصرالدین شاه قاجار اجاره کرد. طبق قرار داد، اجاره سال اول ۹ هزار هزار تومان و سالهای بعد به قرار سالی ۱۸ هزار تومان بود. صنایع الدوله محقق معروف زمان قاجار در ۱۳۰۳ هجری درآمد سالانه‌ی اجاره معدن را در آغاز سده‌ی چهاردهم هجری در حدود بیست هزار تومان و میزان درآمد فیروزه را در بازار ۶۰ هزار تومان می‌نویسد.

لرد کرزن در ۱۳۱۰ هجری یعنی ۷ سال پس از صنایع الدوله درآمد واقعی معدن فیروزه را سالانه ۸۰ هزار تومان یا ۲۲/۸۵۰ لیره ذکر کرده است. با توجه به ارزش پول، درآمد دولت از این معدن در اواخر دوره‌ی قاجار نسبتاً قابل توجه است. در سال ۱۳۲۲ شمسی آخرین مستاجر معدن فیروزه نیشابور، معدن را سالانه به مبلغ ۱۲ هزار تومان بمدت ده سال از دولت اجاره کرد. پس از انقضای آن قرارداد دیگری بمدت ۲۰ سال منعقد کرد. در اواخر دوره‌ی معدن داری بهره‌ی مالکانه دولت از معدن نیشابور به میزان دوازده درصد بهره‌برداری سالانه بوده است. نظر بسیاری از دست‌اندرکاران فیروزه در مشهد اینست که آنچه تاکنون بعنوان بهره‌ی مالکانه به دولت پرداخت می‌شده، همیشه منطبق با واقع نبوده است.

روابط کارگر و معدن مدار

تا آنجا که از بررسی ماجراهای معدن فیروزه نیشابور برمیآید، اغلب رابطه‌ی معدن مدار (مستاجر معدن) و کارگران دوستانه نبوده است در اینجا عقیده‌ی کارگران را نسبت به معدن و معدن مدار و عقیده‌ی کارفرما را نسبت به کارگران نقل می‌کنیم:

الف - عقیده کارگران نسبت به معدن و معدن مدار
۱- کارگران معدن، خود را وارث معدن فیروزه نیشابور میدانند. میگویند اسلاف ما پشت در پشت در کنار معدن زندگی کرده‌اند و در استخراج معدن رنجها برده‌اند. حتی بخشهایی از معدن به قباله زنان آنها بوده است و در قباله‌ها ثبت است «معدن مدار» شخصی خاص است که معدن را از ما گرفته است.

۲- باید از بام تا به شام در غارهای تاریک و مرطوب رنج ببریم و عمر خود را صرف کوه‌کشی کنیم و حاصل رنج و تخصص خسود را به رایگان یا در عوض مزدی ناچیز تسلیم «معدن مدار» کنیم و او بدون زحمت از این رگه‌های آبی خوش رنگ و گوهرهای بی‌مانند سودی سرشار برد و خود بر سر-گنجی بی‌پایان بی‌نصیب بمانیم.

۳- «معدن مدار» همواره از مسا سوء استفاده کرده. اختلافاتی بوجود آورده تا خود بر ما سلطه داشته باشد و در مواقعی که سود خود را بنحوی در خطر دیده ما را بجان عم انداخته و برای اثبات این موضوع به نزاعهای بسیاری که در معدن رخ داده اشاره می‌کنند.

۴- کارگران معدن افتخار می‌کنند که اصلاً بدخشانان هستند. پدرانشان مردمانی هنرمند و گوهری بودند که در بدخشان به تراشیدن لعل اشتغال داشته‌اند و بجهت این تخصص و هنر به فرمان شاه عباس کبیر از سرزمین بدخشان به نیشابور کوچ داده شده‌اند ولی کارفرمایان نه تنها هرگز قدر و منزلت آنان را نشناخته‌اند بلکه آنها را به بدخشانان بودن نیز سرزنش کرده‌اند.

ب - عقیده کارفرما (معدن مدار) نسبت به کارگران معدن

۱- کارفرمایان معدن فیروزه، کارگران معدن را مردمانی ناسپاس و ستیزه جو و غوغایی میدانسته‌اند که جدال‌ها و منازعات و اعتصاباتی را سبب شده‌اند و اگر معدن مداری با عطاوت و عدالت با آنان رفتار می‌کرده نشانه‌ی ضعف وی میدانسته‌اند و براو می‌شوریده‌اند و حوادث گذشته‌ی معدن را گواه ادعای خود میدانند.

۲- یکی از کارفرمایان سابق می‌گفت که کارگران

- ۱- سفرنامه‌ی ژنرال کانالی جلد ۱ ص ۲۱۶ بنقل از جغرافیای تاریخی خراسان.
- ۲- کتاب ایران و مسأله ایران کرزن ج اول ص ۲۶۶
- ۳ و ۴- رك مطلع الشمس ج ۳ ص ۱۵۲، ۶۳، ۸۲ به نقل از جغرافیای تاریخی خراسان.
- ۵- سفرنامه‌ی ژنرال فریزر ص ۱۰۲ به نقل از جغرافیای تاریخی خراسان از طاهری

«... ثانیاً دولت (باید) از تمام قوا برای ایجاد امنیت و جلوگیری از تحریکات و سوءاستفاده کارگران و سرقت آنان که در بعضی سالها به ۵۰٪ میرسد استفاده کند.»

فیروزه نیشابور در مشهد

فیروزه این آب پاک پس از آنکه از دل کوه برآمد و روابط و ماجراهای تلخ و شیرینی را در میان روستائیان سبب شد و عناید و خرافات و شعر و ترانه بوجود آورد؛ از دست کارگران و از دامان کوهستانهای سربلند نیشابور می‌گریزد و چون دیگر گوهرهای گرانبها دست و گردن روستایی ساده‌پسند را تهی میگذارد و پس از طی مراحل در کارگاههای فیروزه تراشی و جواهرگری و جواهر فروشی، گردن آویز شهریان می‌شود و سودسرشاری را نصیب سوداگران میکند. اکنون به اختصار به ذکر مراحل که فیروزه در مشهد طی می‌کند و نیز به ذکر روابطی که این سنگ در طی این مراحل میان آدمهای شهری بوجود می‌آورد می‌پردازیم.

توزیع فیروزه

پس از آنکه «معدن مدار» فیروز را از نیشابور به مشهد آورد؛ اگر در معدن نیشابور به ترتیبی که گذشت رقم‌بندی نکرده باشد؛ در مشهد رقم‌بندی می‌کند. و آنگاه سنگهای فیروزه در میان «حکاکها» (فیروزه تراشها) تسویع می‌شود. تا سال ۱۳۴۵ خورشیدی فیروزه به دلخواه «معدن مدار» توزیع می‌شد. و طبعاً سبب نارضایتی‌هایی میگردید - که گاه روابط معدن مدار و حکاک را بشدت تیره می‌کرد و معمولاً سرانجام به سود معدن مدار و تسلیم حکاک پایان می‌پذیرفت چه فیروزه - لااقل فیروزه خوب - منحصر به معدن نیشابور بود و بی‌رقیب و نیز شغل حکاک منحصر به فیروزه تراشی بود. اگر معدن مدار از حکاک می‌رنجید و به او فیروزه نمی‌فروخت یا به میزان کمتری می‌فروخت. صاحب کارگاه فیروزه تراشی در تگنا قرار می‌گرفت.

کارگران کارگاه وی سنگ فیروزه برای تراشیدن نداشتند و در نتیجه بی‌کار می‌ماندند و البته باید مزد روزانه خود را همچنان از صاحب کارگاه دریافت کنند.

در اینجا صاحب کارگاه فیروزه بناچار سنگ فیروزه مورد احتیاج خود را از دست دوم از واسطه یا همکار می‌خرد و اینکار برایش مقرون به صرفه نبود و بالاخره از پای درمی‌آمد و تسلیم خواسته‌های معدن مدار میشد. حکاکهای مشهد در سال

۱- به نقل از کتاب جغرافیای تاریخی خراسان تألیف ابوالقاسم طاهری.

مردمانی ناسازگار هستند که قبلاً در بدخشان می‌زیستند، چون شاه عباس به آن دیار رفت و از کردار آنان رنجید آنان را از دیار خود به میان کوهستان دورافتاده (ده معدن نیشابور) کوچ داد و مردمان خوب نیشابور را بجای آنان به بدخشان برد و میگویند که بدخشانی به خصائص نکوهیده مشهور بوده است و این بیت را نیز گواه می‌آورند:

اگر کوه بدخشان لعل گردد

به دیدار بدخشانی نیرزد»

۳- بعضی از کارگران معدن تا آنجا که می‌توانستند دست به سرقت فیروزه میزدند بهنگام کار به حیل‌هایی قطعات با ارزش فیروزه را در بدن خود پنهان می‌کردند که از معدن خارج کنند حتی در این مورد چنان مبالغه کرده‌اند که گفته‌اند: گناه کارگران، فیروزه قیمتی را می‌بلعند و پس از دفع آنرا پنهانی می‌فروشند!

یکی از کارفرمایان فیروزه نقل می‌کرد که هنگامی که محصول یک هفته بهره برداری معدن را از معدن به مشهد حمل می‌کرده است؛ چند تن مرد مسلح با چهره‌هایی بسته راه را بر او گرفته‌اند و فیروزه‌ها را به سرقت برده‌اند که پس از هفت سال قسمتی از آن را مأموران دولت که در پی کشف تریاک تاجاق انبار خانهدی را که متعلق به یکی از اهالی ده معدن بود جستجو می‌کردند؛ بدست آوردند و تحویل معدن مدار دادند.

حکاکهای مشهد میگویند که کارگران معدن فیروزه‌هایی را که از معدن سرقت می‌کنند، پنهانی به فیروزه تراشها می‌فروشند و وقتی کسی به آنان می‌گوید که شما مردمان مسلمانی هستید و سرقت از نظر شریعت گناه است، و مالی که از این راه بدست‌آید حرام می‌باشد؛ پاسخ میدهند که چون معدن متعلق به ما و به قبایلهی زنان ما است؛ احقاق حق می‌کنیم نه برای سرقت.

ژنرال فریه که در سال ۱۲۶۱ هجری از نیشابور گذشته است می‌نویسد:

«دلالت و فروشندگان فیروزه‌ی ده معدن مردمانی نادرست و در فریبکاری در دنیا بی‌مانند بوده‌اند و هر کس در هر شرایطی با اینگونه فروشندگان معامله کند غیر ممکن است است مغبون نشود. فریه این نادرستی و عدم امانت را معلول کار کردن در زیر زمین میدانند. و معتقد است که اگر انسان محکوم به کار در کانه‌ها شود نه فقط به سلامتش لطمه وارد می‌آید بلکه اخلاصش نیز بکلی فاسد می‌شود.» همچنین مأموران شورای عالی معاون وزارت اقتصاد ملی در گزارشی که در سال ۱۳۳۲ از معدن فیروزه نیشابور تهیه کرده‌اند می‌نویسند

۱۳۳۵ خورشیدی شرکت سهامی فیروزه را تأسیس کردند البته «معدن مدار» هم به دلایلی در این شرکت سهامی بود. این شرکت مدتی کوتاه تمام محصول فیروزه را در اختیار گرفت و بین فیروزه تراشها توزیع کرد. چون اکثریت سهام متعلق به فیروزه تراشها بود؛ می توانست وضع توزیع بهتر بشود. اما متأسفانه در این شرکت توافق پیش نیامد و همچنان وضع توزیع فیروزه نابسامان ماند. در این مورد حکاکها گناه را از معدن دار میدانند و معدن دار از بی تدبیری حکاکها در مورد اداره شرکت سهامی. بالاخره آنچنان فیروزه تراشها درماندند که بنا به پیشنهاد معدن دار کلیه سهام خود را به وی فروختند بطوریکه شرکت سهامی فیروزه از دست حکاکها بیرون رفت و در اینجا نیز پیروزی با معدن مدار بود. معدن مدار با دو تن از همکاران و شرکاء خود که در کار فیروزه تجربه ی بسیار دارند و صاحب نظر هستند سالهاست که شرکت سهامی فیروزه را اداره می کنند. این شرکت علاوه بر توزیع فیروزه نیشابور (تا قبل از تحویل معدن به دولت) فعالیت های ثمر بخشی نیز در زمینه ایجاد بازارهای خارجی خاصه در آمریکا داشت و توانست تا اندازه ی فیروزه ایران را به دنیا بشناساند.

شرکت تعاونی حکاکها

فیروزه تراشها پس از اینکه در ادامه ی کار شرکت سهامی شکست خوردند. پس از یکسال بلکر تأسیس شرکت تعاونی التادند و در سال ۱۳۵۰ خورشیدی آنرا تشکیل دادند. این شرکت اکنون ۲۴۶ نفر عضو کارفرما و ۷۰۰ نفر عضو کارگر دارد.

دوره ی انتخاب هیأت مدیره سه سال است و از هفت نفر عضو و دو بازرس تشکیل شده است. هیأت مدیره فعلی شرکت تعاونی اولین هیأت مدیره شرکت است. هر سهم شرکت تعاونی ۲۰۰ تومان است و بزرگترین سهامدار آن ۲۵۰ سهم دارد.

مهمترین قسمت برنامه ی کار شرکت تعاونی عبارتست از:

- ۱- تهیه و توزیع مواد اولیه
- ۲- رسیدگی به وضع تراش مطلوب
- ۳- خرید و فروش فیروزه تراشیده در داخل و خارج کشور.
- ۴- تأسیس شعباتی در داخل و خارج کشور برای توسعه بازار فیروزه و تقویت کار فیروزه.

اما بگفته ی سهامداران شرکت تعاونی، هنوز این شرکت نتوانسته است قدم مثبتی برای بهبود وضع حکاکها بردارد و

تمامی آنان از وضع موجود خود شکوه دارند. بخصوص ده مدتی است بعزت تحویل و تحویل معدن فیروزه از مستأجر به دولت وعدم اتخاذ تصمیم از طرف دولت در مورد شیوه توزیع فیروزه مشکلاتی دارد

مراکز مهم فیروزه تراشی در مشهد

در شهر مشهد جمعاً در حدود ۱۴۶ کارگاه فیروزه تراشی وجود دارد و مراکز مهم تراش فیروزه به ترتیب اهمیت عبارتست از:

- ۱- «سرای ناصریه» واقع در بازار «زنجیر» و مقابل در «مسجد گوهرشاد» دارای ۴۱ کارگاه، با ۶ باب فروشگاه فیروزه.
- ۲- «تیمچه ی ملائکه» - واقع در بازار بزرگ - دارای ۵۱ کارگاه - فروشگاه ندارند.
- ۳- خیابان «خسروی نو» (جدیدترین محل تجمع کارگاههای فیروزه) جمعاً ۳۲ کارگاه با ۳ باب فروشگاه.
- ۴- «سرای صنایع و معادن» - واقع در «بازار بزرگ» - ۱۲ کارگاه، فروشگاه ندارند.

تواش فیروزه

فیروزه وقتی از معدن استخراج می شود، بصورت تظمه سنگهای سیاه یادانههایی پوشیده از ذرات سیاه بااضلاع نامنظم است که اگر در گذرگاه پیش پای شما بیافتد بر او ارج نمی نهید و این تصور مشکل است که این سنگ تراشیده و نخراشیده بتواند بصورت نگینی صاف با رنگ زیبای آبی شفاف درآید و در میان گوهرهای دیگر بدرخشد و زینت بخش جواهرات گرانبهایی چون طلا و الماس شود. این دست هنرمند استاد فیروزه تراش و ذوق سلیم اوست کسه برآستی فیروزه را فیروزه می کند. هنر فیروزه تراشی، هنری سهل و محنت است. به ظاهر امری است ساده. وقتی به چرخ تراش فیروزه دست حاک نگاه می کنی جز يك عمل تکراری چیزی به چشم نمی آید. اما تکان نامحسوس و بجای همین دست، جرب است که فیروزه را می پروراند، زائده ناچیزی را برمی دارد، لکه و پرده یی را عقب میزند و هم میکوشد که از مقدار خالص آن چیزی نگاهد حاصل سخن آنکه ارزش هر قطعه فیروزه به هنر تراش آن بستگی تام دارد. از يك سنگ فیروزه شاگردی

۱- مربوط به تابستان ۱۳۵۳ است. اکنون فیروزه نیشابور از طرف دولت استخراج و به صورت حراج فروخته می شود.

تسمتهای پرسنگ و زائد خود را از دست داد؛ هنوز دارای ذرات زائدی است و لبها و پهلوهای دارد که باید گرفته شود و فیروزه بصورت «حبه» درآید. برای اینکار فیروزه «باب حبه» را در میان تکه پارچه‌یی که به «لته‌ی کار» معروف است با سه انگشت دست چپ میگیرند و بطرف «چرخ تراش» میبرند؛ تانسمتهای زائد و زوایا و کناره‌هایی که قبلاً حذف نشده و باقی مانده است با این دستگاه تراشیده شود (رک: طرح شماره ۳)

گردش‌ها و تکان‌های دست فیروزه‌تراش که فیروزه را به چرخ‌هی امان تراش میزند نقش مهمی دارد. و بادقت و استادی خاصی همراه است.

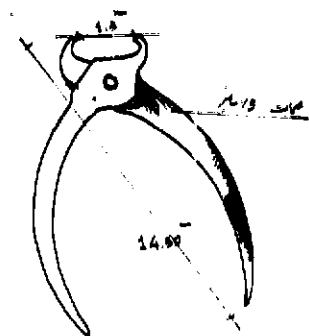
باید نه کم و نه بیش تراشید. (رک: عکس شماره ۵)
دستگاه فیروزه‌تراشی - این دستگاه با اندازه ۴۰ + ۷۰ سانتیمتر است و تختی به بلندی ۲۰ سانتیمتر در پشت آن قرار دارد و کارگر حاکک بر روی آن و پشت دستگاه می‌نشیند از این دستگاه برای تمام مراحل تراش فیروزه استفاده می‌کنند با این تفاوت که فقط چرخ آن که بصورت دایره‌یی در وسط دستگاه قرار دارد در هر مرحله‌یی متناسب با آن مرحله از تراش عوض میشود و اسم خاصی دارد که مأخوذ از اسم همان مرحله است. دستگاه تراش فیروزه دو نوع است یکی دستگاه قدیمی که با «کمان» و «زهرود» - *zerud* و به کمک دست راست به راه می‌افتند و دیگری دستگاه برقی است که جدید است. (عکس شماره ۶)
 دستگاه قدیمی هنوز در کنار دستگاه جدید (برقی) به حیات خود ادامه میدهد. در بعضی از مراحل تراشی که شرح آن خواهد آمد. استاد فیروزه‌تراش بهتر میدانند که از دستگاه قدیمی که بیشتر به فرمان دست او است. استفاده کنند. در کنار دستگاه بیالهی کوچکی بنام «کشکول» *Kaskul* قرار دارد که پسر از

ناآگاه نگیشتی کم ارزش و ارزان قیمت می‌سازد و از همان سنگ استادی آزموده، نگیشتی با ارزش و گران قیمت می‌تراشد. و باید دانست که حاکک هنرمند در کار خود دقایقی دارد که به شرح و وصف نمی‌آید. سنگ فیروزه از آغاز تا انجام کار تراش مراحل را میگذراند. بدین ترتیب:

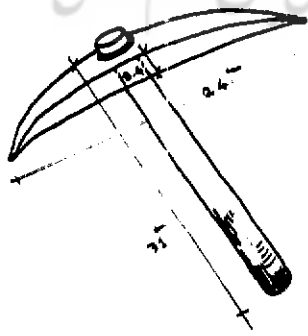
الف - «باب حبه» - که شکستن سنگ فیروزه دار و جدا کردن قسمت زائد آن است. این عمل از نظر فن فیروزه تراشی حائز اهمیت بسیار است. کارگری که «باب حبه» می‌کند باید آشنایی کامل با طبیعت سنگ فیروزه داشته باشد. بداند که سنگ را از کجا قطع کند تا صدمه‌یی به فیروزه وارد نیاید و با در نظر گرفتن مقدار فیروزه‌یی که در آن سنگ است برای یکی از شکل‌های تراش آماده‌شود و بقول سعدی «گهرنشکنی تیشه آهسته‌دار». از این رو کارگر فیروزه تراش قبل از شکستن سنگ فیروزه‌دار، آنرا با نظر مجرب خود بررسی می‌کند و به دقت تصمیم میگیرد، آنگاه با «چفت» *Ceft* یا «اجنه» *Ajenna* سنگ را میشکند.

۱- «چفت» *Ceft* - ابزاری است فلزی که برای «باب حبه» کردن فیروزه «عجمی» که برگوشت و کم سنگ است بکار می‌آید. چفت تقریباً همان انبردست است دو دسته به طول ۱۴/۵ سانتیمتر و ضخامت ۵/۵ سانتیمتر دارد و دهانه آن در حدود ۱/۵ سانتیمتر بازمی‌شود و تسمتهای زائد را در دهان میگیرد و جدا می‌کند. (رک: طرح شماره ۱)

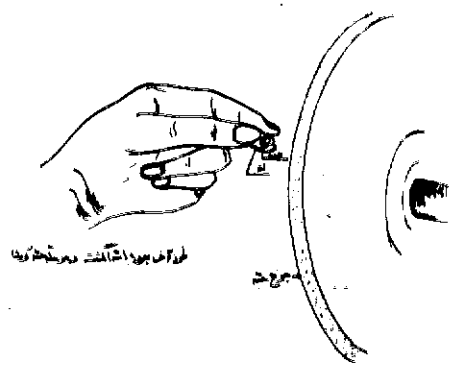
۲- «اجنه» *Ajenna* - برای «باب حبه» کردن فیروزه «سنگدار» بکار میرود. که در شکستن به ظرافت کمتری محتاج است. «اجنه» نوعی چکش دو لبه‌یی است فلزی که دسته‌یی چوبی دارد بطول ۳۱ سانتیمتر (رک: طرح شماره ۲)
 ب - «حبه کردن» - وقتی فیروزه «باب حبه» شد یعنی



۱- چفت (ceft) برای باب‌حبه کردن فیروزه عجمی.
 Tenailles (ceft) pour sectionner en grains les turquoise «Adjami».

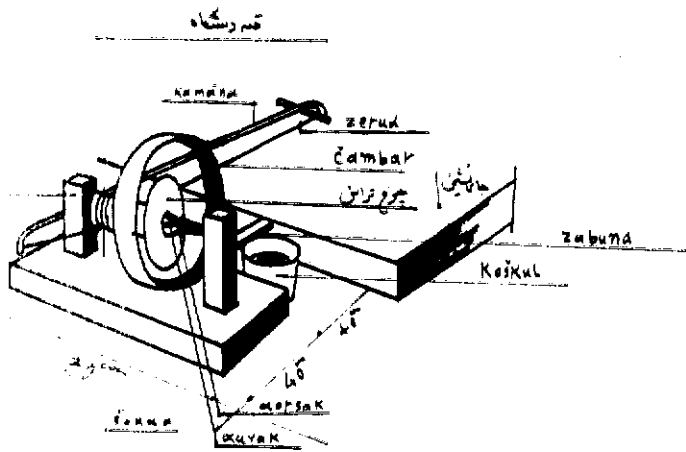


۳- اجنه (ajenna) برای باب‌حبه کردن فیروزه سنگ‌دار.
 Martinet (ajenna) pour briser la turquoise à l'état de mineral



۴- طرز گرفتن فیروزه با سه انگشت در مرحله حبه کردن.

Façon de tenir la turquoise entre trois doigts durant le stade de polissage.



۵- دستگاه قدیمی و دستی فیروزه‌تراشی.

Instrument à main ancien pour le polissage des turquoises.



۶- کارگر فیروزه‌تراش فیروزه را صاف می‌کند.

Un tailleur de turquoises en train de polir une pierre.



۷- دستگاه برقی فیروزه‌تراشی.

Appareil électrique pour le polissage des turquoises.

آب می‌کنند و فیروزه را در فواصل تراش در آن فرو می‌گیرند. تا خیس شود و بهتر آماده تراش باشد. (رک به طرح شماره ۵) چوخ توانی - چرخ است مسدود از سنگ سمباده که برای صاف کردن سنگ فیروزه در دستگاه فیروزه‌تراشی قرار می‌گیرد. (رک به طرح شماره ۵)

ج- «خچه تراش» - *Xomtarâš* - در مرحله صاف کردن فقط روی نگین تراشیده شده است ولی در این مرحله علاوه بر ظرافت بیشتر در تراش، پشت و دورنگین را صاف می‌کند. چرخه‌ای که از آن استفاده می‌کنند همان چرخ صاف است.

د- «سرچوب کردن» - در این مرحله باید فیروزه را سرچوب قرار داد تا برای تراش بعدی آماده شود. این مرحله از مراحل قبل دقیق‌تر است و چون دیگر فیروزه‌ی تراشیده در بین سه انگشت قرار نمی‌گیرد؛ باید آنرا با چسبی بنام «کندل *Kandal*» بر سرچوبی بنام «لوخ *Lux*» قرار دهند. تا به فرمان باشد.

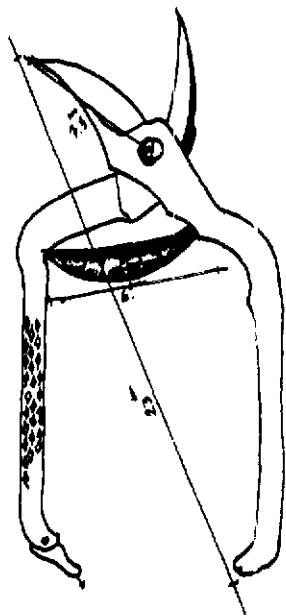
۱- «لوخ - *Lux*» چوبی است که از ساقه‌ی نوعی نی می‌سازند و فیروزه‌تراشها آنها را از ساحل «کشف‌رود» که اهالی آن را دریا می‌نامند می‌آوردند این ساقه‌ها را بوسیله نوعی قیچی که به آن «گاز - *Gâz*» می‌نامند به قطعات $\frac{۱۳}{۵}$ سانتیمتری

پهلوهای زائد نگین را می‌گیرند و بصورت يك منحنی متناسب در می‌آورند. این خط منحنی دورنگین را - که خوب تراشیدن آن نشانه‌ی استادی و تجربه‌ی فیروزه‌تراش است - در اصطلاح فیروزه‌تراشی «خط فارسی» می‌گویند.

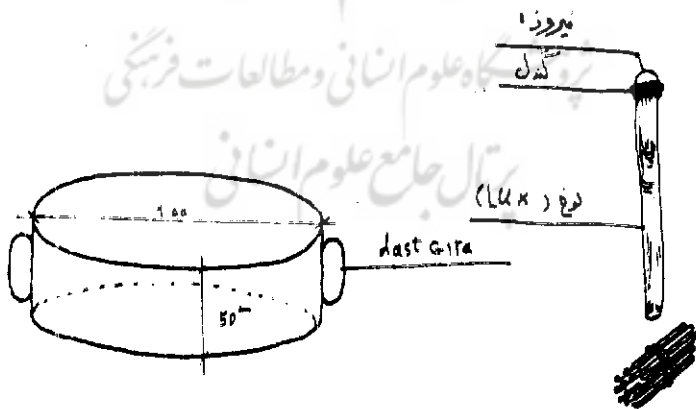
«چرخ غلتاندن» یا «چرخ برش» - این چرخ را در مشهد از يك سمباده و «لاک» (نوعی چسب) می‌سازند. بدین ترتیب که این دو را با هم مخلوط می‌کنند و در قالب مدور آهنی می‌ریزند که پس از سرد شدن بصورت سنگی در می‌آید. این چرخ دایره‌ی است به شعاع ۶ سانتیمتر و ضخامت ۱ تا ۱/۵ سانتیمتر وزن آن برای دستگاههای دستی که تروبرای دستگاههای برقی بیشتر است. بر روی «چرخ برش - Borre» چند دایره‌ی فرو رفته به شعاعهای مختلف و با مرکز واحد وجود دارد که «نهاد - Nahad» می‌گویند. هنگام غلتاندن در سواق معینی فیروزه را در یکی از این «نهادها» قرار میدهند و می‌تراشند. (رک به طرح شماره ۴)

ز - «جلا کردن» - در این مرحله از چرخ سمباده استفاده می‌کنند و ذره‌های روی نگین را میگیرند و آنرا «نیمه پرداخت می‌کنند». در پایان این مرحله فیروزه به جلا می‌آید.

۱ - ذوقی در انتخاب این اسم جهت این تراش بسیار ظریف بکار رفته است و تفسیری شده است به معنی «خط فارسی» که هنرست ارجمند و حاوی ظرافتهای بسیار، ع-ن



۶ - گاز (Gaz) جنس از آهن با تیغه فولاد.
Cisailles (gaz) en fer à lame d'acier.



۷ - ظرف تهیه کندل (Kandal) نوع جنس - حلبی.

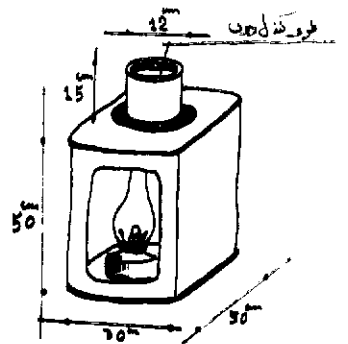
Réceptient servant à la préparation de la colle (kandal) qui fixera la turquoise à l'outil durant le stade de son façonnage.

در می‌آورند. (رک به طرح شماره ۶)
۷ - «کندل Kandal» - نوعی چسب است که برای چسباندن فیروزه بر سر «لوخ» می‌سازند و عبارتست از: «گل روشویه» و «لار - Lâr» (نوعی چسب) و روغن بیه.

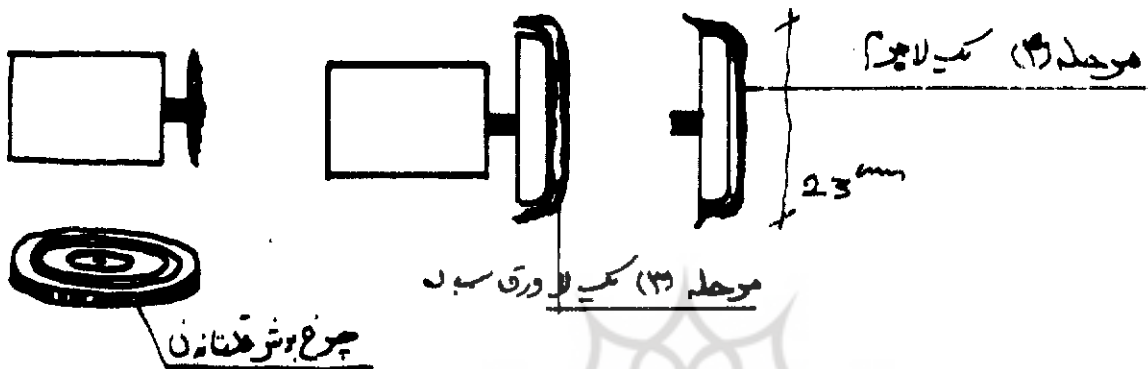
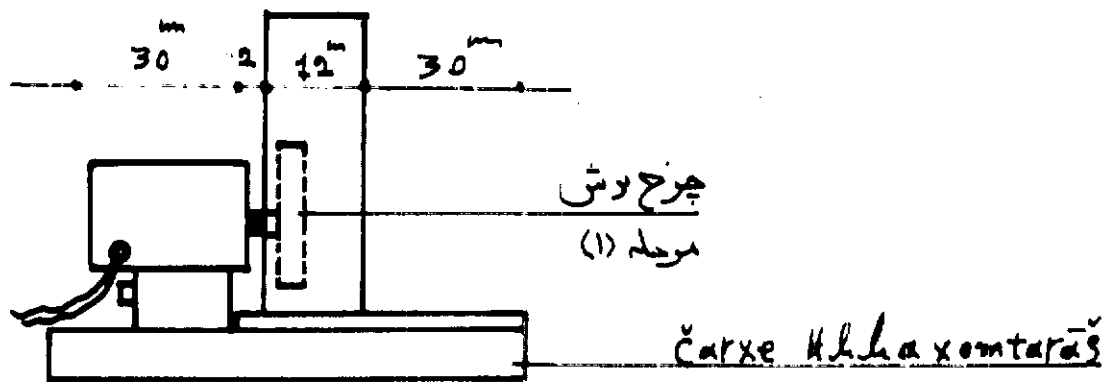
کندل را در ظرفی بنام «کندل دون Kandal-Dun» درست میکنند. (رک طرح شماره ۷) این ظرف بصورت استوانه‌ی است به شعاع ۴۰ تا ۸۰ سانتیمتر و به ارتفاع ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر. برای ساختن «کندل» آنرا بر روی آتش می‌گذارند.

آنگاه «لار - Lâr» را در آن میریزند وقتی «لار» بخوبی داغ شد، بیه را به آن می‌افزایند چون «لار» و «بیه» مخلوط شد و بصورت مایع درآمد، «گل روشویه» را به آن اضافه می‌کنند و همچنان حرارت میدهند. ساختن «کندل» در حدود ۴ دقیقه طول میکشد. پس از آنکه «کندل» سرد شد بصورت جامد و به رنگ کرم در می‌آید و هر وقت بخواهند از آن استفاده کنند قطعه‌ی از آن روی دستگاه چرخ «کندل» می‌گذارند و گرم می‌کنند تا بصورت مایع در آید. (رک به طرح شماره ۸) آنگاه يك سر «لوخ» را در «کندل» مایع فرو می‌برند و فیروزه را بر سر آن می‌چسبانند، بطوریکه پشت نگین به سر «لوخ» می‌چسبند و چون سرد شد فیروزه آماده‌ی مرحله بعدی تراش است.

۸ - «غلتاندن - geltondan» این مرحله از مراحل قبلی بسیار ظریفتر است و بوسیله چرخ مخصوص غلتاندن،



۸ - دستگاه گرم کردن کندل.
Appareil pour la cuisson de la colle (kandal).



۴- دستگاه برقی فیروزه تراشی.

Schéma de l'appareil électrique de polissage des turquoises.

اشکال فیروزه‌ی تراشیده.

الف - تراش سنتی - از قدیم الایام فیروزه را جز در موارد استثنایی فقط به دو شکل بیضی و گرد (دایره) و با اندازه‌های مختلف می‌تراشیدند؛ هم‌اکنون نیز این دو شکل رواج بیشتری دارد و نود درصد فیروزه‌های تراشیده به این دو شکل است. البته جواهر فروشان نوع گرد آن را مرغوب‌تر میدانند. این دو نوع فیروزه است که بر روی انگشتری برنجی قرار میدهند.

ب- تراش جدید - از ۸ سال پیش تاکنون فیروزه را به شکلهای دیگری نیز می‌تراشند و البته هر شکل آن در جواهر سازی مصرف خاصی دارد.

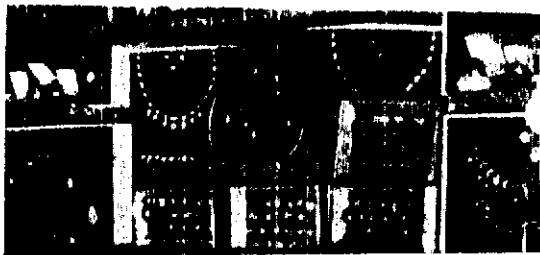
شکلهای جدید عبارتند از:

- ۱- لوز
- ۲- اشک یا بادامی
- ۳- مستطیل
- ۴- سه گوش
- ۵- دل

«چرخ سمباده» - این چرخ چوبی است مدور که ابری (اسفنج) به ضخامت ۲ تا ۲/۵ سانتیمتر روی آن قرار دارد و کاغذ سمباده ۱۵۰/ یا ۱۸۰ روی آن را می‌پوشاند و با میخی به پشت نخسته محکم شده است. این چرخ با پیچی آهنی به دسته‌یی از چوب گردو وصل می‌شود. و بوسیله‌ی همین دسته به دستگاه فیروزه‌تراشی متصل میگردد. «چرخ سمباده» را «چرخ جلا» هم می‌نامند.

ح- «بید زدن» - فیروزه‌ی جلا داده را همچنانکه بر سر لوخ است به چرخ بید می‌زنند. در این مرحله که آمرین مرحله‌ی تراش است، فیروزه کاملاً پرداخت می‌شود و رنگ و جنس آن بخوبی نمایان میگردد. چنانکه حتی اگر «لك» بسیار کوچکی هم در جنس فیروزه باشد به چشم می‌آید.

«چرخ بید» - یا «چرخ جلا» کمی تفاوت دارد بدین ترتیب که بر روی آن بجای سمباده، رویه‌یی از پادوش که نوعی چرم است میکشند، نوع قدیمی چرم، بی‌برز و نوع جدید آن پرزدار است.



۷-۹ اشکال معروف تراش فیروزه.

Images des opérations les plus importantes de polissage des turquoises.

۸- تکین فیروزه را بدین ترتیب بر روی انگشتری برنجی نصب می‌کنند.

La pierre de turquoise est fixée de cette manière sur la bague de bronze.



نصب فیروزه بر روی انگشتر



درشت



مستطیل



مدرگوشی



بیضی



دایره



لوزی

۶- کویسیم، (که بی شکل است)، «اصطلاحی است که تازه معمول شده است» (رک به عکس شماره ۷ و طرح شماره ۹)

انگشتری برنجی

پس از آنکه کار تراش تکین فیروزه پایان گرفت، برای عرضه‌ی فیروزه‌ی تراشیده به بازار تجارت، فیروزه‌ریز راهمچنان بر سرچوب بصورت دسته می‌بندند. اما فیروزه‌ی درشت را بجهت آنکه شکل آن بخوبی ظاهر شود؛ بر روی انگشتری‌های برنجی نصب می‌کنند. (عکس شماره ۸) این انگشتری‌ها فقط جنبه نمایشی دارد و برای به انگشت کردن مناسب نیست.

انگشترسازان این انگشتری را در کارگاه مخصوصی تهیه می‌کنند. (طرح شماره ۱۰)

انگشتری برنجی دو نوع است که هر دو نوع دارای حلقه‌ی به قطر ۱/۵ تا ۲ سانتیمتر دارد.

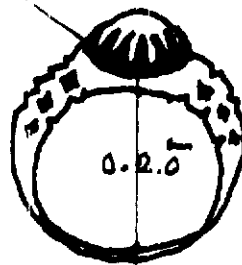
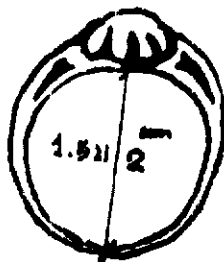
۱- انگشتری «شبكة» *Šebeka* که در آن بریدگی‌های تزیینی با نقش و نگار خاصی ایجاد می‌کنند (رک به طرح شماره ۱۰)

۲- انگشتری «بوچی» *Buči* که ساده است و نقش و نگار ندارد. (رک به طرح شماره ۱۱)



۱۱- انگشتری بوچی (*buči*) نوع جنس «برنج».

Bague simple (*buči*) en bronze.



۱۰- انگشتری شبکه (*Sebeka*) نوع جنس «برنج».

Bague ouvragée (*šebeka*) en bronze.



مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هر دو مقوم جمعاً «عزاری ۲۰ تومان» بطور «نصفانصاف» حق دلالی و تقویم میگیرند.

تعداد مقومهای مشهوری که کار دلالی و تقویم را بعهدہ دارند و نفرند.

بیشتر معاملات عمدتاً و تاجرانہ در «سرای ناصریه» واقع در «بازار زنجیر» مشہد انجام میشود. بزرگترین معاملہی اخیر فیروزہ در این سرا ۱۳۰ هزار تومان بودہ است.

فیروزہ قیمت ثابتی ندارد و علاوہ بروضع کلی اقتصادی کشور نوع توزیع سنگ فیروزہ بین فیروزہ تراشہا در قیمت فیروزہ نومانانہی ہدید می آورد. بدینجہت خود سوداگران فیروزہ در مشہد اصطلاحی دارند کہ «فیروزہ یعنی فیروزہ» بدین معنی کہ ہر روز قیمت آن دیگر میشود.

دلال های سرپایی

گروہی در اطراف سرای ناصریه و بازار بزرگ و اطراف حرم امام رضا (ع) بطور پراکنده ایستادہ اند و مشتریان را با جملاتی از قبیل «آقا فیروزہ میخواستین؟ فیروزہ خوب میخواہین؟ فیروزہ خوب داریم...» جلب می کنند، این کار سالہامت کہ در مشہد سابقہ دارد و از سنتہای قدیمی بازار فیروزہ است. اینان وقتی مشتری رھگذر را جلب کردند و بہ فروشگاہهای فیروزہ بردند اگر در آن فروشگاہ، معاملہ سر گرفت در این صورت از فروشنده تا ۱۰٪ حق العمل میگیرند و باز بر سر رھگذری میروند و در پی مشتری دیگری.

جوانترین دلالہای سرپایی ۳۵ سال دارد و کهنسالترین آنها ۸۰ سال. گاہی پسران کم سن و سال ہم در جلوی در «سرای ناصریه» بہ این کار اشتغال دارند کہ از شاگردان فیروزہ تراشہا یا فرزندان آنان هستند.

مترجمهای بازار فیروزه

عدہی دیگری از دلالهای سرپایی در خیابانہا و هتلہایی کہ محل آمد و شد جهانگردان و مسافران خارجی است، پراکنده اند کہ اندک زبانی انگلیسی یا فرانسه میدانند و مشتریان خارجی را بہ «سرای ناصریه» و دیگر مراکز فروش و تراش فیروزہ جلب می کنند.

اینان را «مترجم» می نامند و تعدادشان بہ ۵۰ نفر میرسد، کہ اکثرشان را دانشجویان و دانش آموزان مدارس تشکیل میدهند. این مترجمہا وقتی معاملہ را «جوش دادند» تا ۲۰٪ حق العمل میگیرند. چنانکہ ملاحظہ می شود. حق العمل اینان از دلالہای سرپایی معمولی بیشتر است بہ دو جہت اول آنکہ زبان خارجه میدانند و دوم آنکہ معاملہ با مشتری

خارجی پرسودتر است.

تحول در تراش، ابزار، قیمت و بازار فیروزه

در سالہای اخیر تراش فیروزہ از نظر نوع تراش و ظرافت بسیار بہتر شدہ و فیروزہ فرم استاندارد بخود گرفتہ. همچنین در شکل تراش آن تنوع بوجود آمدہ است دستگاہ دستی تراش فیروزہ بہ دستگاہهای برقی بدل شدہ است و فقط در موارد خاصی از دستگاہ دستی استفادہ میشود. بازار فیروزہ ایران در خارج توسعہ بیشتری یافته و علاوہ بر اینکہ بیشتر بازارهای قدیم را حفظ کردہ، بازارهای جدیدی نیز در کشورہای دیگر بدست آورده کہ مهمترین آنہا بازار آمریکا است. در این چند سال با بالا رفتن ہزینہ زندگی بناچار دستمزد کارگر نیز افزایش یافته و با در نظر گرفتن دیگر دلایل اقتصادی در ۱۵ سال اخیر قیمت فیروزہ ترقی کردہ است.

صادرات فیروزه

«پاپ تیسٹ تاورنیہ *Jean Baptiste, Tavernier*» جواهر ساز و جهانگرد مشہور فرانسوی کہ حدود سال ۱۰۴۶ ہجری برای نخستین بار بہ ایران سفر کردہ و علاوہ بردوران سلطنت «شاه صفی» در «عہدہ شاه عباس دوم» و «شاه سلیمان» نیز در ایران میزیستہ است یکی از نخستین جهانگردان بیگانہ است کہ دربارہی استخراج فیروزہ نیشابور و دشواری تمیز بین فیروزہی اصل و بدل بہ تفصیل سخن گفته است «تاورنیہ» در سفرنامہ اش از صادرات فیروزہ بہ خارج چنین یاد میکند: «در قدیم جواهر سازان شہر مشہد تعدادی از سنگهای فیروزہ اصل را بہ خارجه صادر میکردند؛ اما در ہر ض ۱۵ سال گذشتہ ہیچ فیروزہی اصل پیدا نشدہ است. آخرین بار کہ من در ایران بودم فقطسہ قطعہ فیروزہ دیدم کہ تاحدودی گرانہا بود...»^۲

«ہوتوم شیندلر *A. Houtum - Schindler*» مأمور ایجاد خط تلگراف بین تہران - مشہد در زمان «ناصرالدین - شاه قاجار» در سفرنامہی خراسان بہ صدور فیروزہ اشارتی دارد: «ہرچہ فیروزہی خوب پیدا می شود فوراً بہ فروختگان مہفرستند [چنان] کہ در مشہد یا معدن، فیروزہی خوب پیدا نمی شود. چند سال پیش از این فیروزہ [ای] پیدا شد کہ «میرزا ہدایت» تاجر مشہد این فیروزہ را بہ صد تومان خرید و حال

۱- فی - رخ تجاری کالا را گویند

۲- سفرنامہی تاورنیہ کتاب ۵ فصل دوازدهم - بہ نقل از جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان تألیف ابوالقاسم طہری

به هاریس فرستاده، در آنجا هزار تومان قیمت دارد...»

«هانری رنه» در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «فیروزه را در مشهد خوب نمی‌تراشند. فیروزه‌های خوش جنس را اغلب به «مسکوه» می‌فرستند که در آنجا تراشیده شود. ایرانی‌سی در «مسکوه» هستند که فیروزه را خوب تراش می‌دهند و پس از تراش طبقه‌بندی کرده می‌فرستند نزد تجار ایرانی که در «وین» اقامت دارند آنها نیز به نوبه خود آنها را طبقه‌بندی کرده به تجار اروپایی می‌فروشند... فیروزه‌های نامرغوب را بیشتر به هندوستان و ترکیه و عربستان صادر می‌کنند...»^۲

در گزارشی که شرکت سهامی فیروزه درباره صادرات فیروزه تهیه کرده چنین آمده است:

«... صادرات فیروزه در سالهای سابق [قبل] از جنگ بین‌الملل اول منحصر به روسیه صادر می‌شد. و از آنجا به ممالک اروپا برده می‌شد ولی پس از انقلاب روسیه متأسفانه این بازار از بین رفت. بازرگانان فیروزه با کوشش وسیع زیاد بازاری در هندوستان پیدا کردند و قسمت عمده‌ی فیروزه به هندوستان صادر می‌شد که این بازار نیز پس از جنگ بین‌المللی دوم و تقسیم هندوستان و پاکستان، هردو کشور ورود فیروزه‌ی ایران را به مملکت خویش ممنوع کردند و با زحماتی که بهره‌بردار (معدن) متحمل گردید بازار جدیدی در اروپا و آمریکا تهیه شده ولی فروش و صدور به ممالک مذکور بمقدار قابل توجهی نرسیده است. بازار دیگر فیروزه ممالک سعودی می‌باشد که همه ساله حجاج در موقع مسافرت (مقداری فیروزه) با خود می‌برند.»

یکی از تجار فیروزه در مشهد درباره صادرات فیروزه چنین اظهار می‌داشت «... قبلاً فیروزه به هندوستان و خاور میانه صادر می‌شد ولی اکنون در آمریکا و اروپا بازار دارد؛ به ویژه آلمان که فیروزه‌ی خام و تراشیده را می‌فرد و گاه فیروزه‌ی تراشیده ایران را مجدداً می‌تراشد و استاندارد می‌کند و به بازارهای دنیا عرضه می‌دارد.»

فیروزه‌ی ایران را در خارج بخوبی می‌شناسند بطوریکه گاه فروشندگان فیروزه‌های تقلبی از شهرت فیروزه‌ی ایران سوء استفاده می‌کنند و فیروزه خود را بنام فیروزه‌ی ایرانی می‌فروشند. یکی از فیروزه‌فروشان معتبر مشهد که خود نیز صادرکننده است درباره صدور فیروزه‌ی ایران به آمریکا چنین اظهار نظر می‌کند: «تا دو سال و نیم پیش فقط فیروزه‌ی «عجمی» به آمریکا صادر می‌شد ولی از آن بعد فیروزه «شجری» در آنجا بازار بهتری پیدا کرده است. اکنون ماهانه حدود ۳ میلیون ریال فیروزه به آمریکا صادر می‌شود.»

انواع فیروزه‌ی صادراتی:

۱- آمریکا: استاندارد شده - درجه ۱ و ۲ عجمی و شجری

خوب.

۲- آلمان: شجری و گاه عجمی

۳- هندوستان: فیروزه‌ی صاف و کم سنگ.

۴- کویت: انواع مورد پسند آمریکا، باب شکوفه و

ریزه.

۵- عربستان: فیروزه‌ی عربی تخت.

۶- افغانستان و پاکستان: صاف و متوسط.

۷- ترکیه: درجه‌ی یک ریزه.

فیروزه در جواهرسازی‌ها و جواهرفروشی‌ها

هنگامی که فیروزه‌ی تراشیده به دست جواهرساز می‌رسد. جواهرساز آنرا به کمک جواهرات دیگر تزیین می‌کند و از آن زینت آلات متنوعی می‌سازد. جواهراتی که با فیروزه کار می‌شود عبارتند از طلای سفید، طلای زرد، نقره و گاه الماس (برلیان) فیروزه‌ی مرغوب و هالی را با طلای سفید و برلیان کار می‌کنند و فیروزه‌ی متوسط را با طلای زرد و فیروزه ارزان را با نقره و باقوت سفید. این نکته نیز لازم به تذکر است که جواهرات بسیار «سنگین» را با فیروزه همراه نمی‌کنند. فیروزه در زینت آلات زنانه با طلا کار می‌شود و برای مردها بیشتر با نقره زیرا مردان متدین معتقدند که طلا «نماز ندارد.»

زینت آلاتی که جواهرسازان با فیروزه می‌سازند به نسبت کثرت تولید بترتیب عبارتند از:

۱- انگشتری فیروزه: که در تمام جواهر فروشی‌های مشهد وجود دارد و فروش آن از انواع دیگر بیشتر است. قیمت انگشتر فیروزه ممکن است از ۵ تومان تا ۵۰ هزار تومان باشد. جواهرسازها برای گرانترین انگشتری فیروزه در حدود ۵ تا ۱۰ هزار تومان جواهر مصرف می‌کنند. یکی از انواع انگشتری سنتی، انگشتری هفت جواهر است که یکی از نگینهای اصلی آن فیروزه است بقیه‌ی جواهرات آن عبارتند از حقیق، باقوت قرمز، الماس، لعل، در، زبرجد.

۲- پس از «انگشتری» مصرف «سجاق سینه» از همه بیشتر است و در نتیجه جواهرسازان آنرا بیشتر تولید می‌کنند.

۳- در سومین مرتبه‌ی تولید و مصرف زینت آلاتی از قبیل: گردنبند، دستبند و گوشواره و نیز دکمه سردست مردانه قرار دارند.

۱- به نقل از کتاب سه سفرنامه به احترام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو - از انتشارات دانشگاه تهران
۲- سفرنامه از خراسان تا بهمنیاری - تألیف حانری رنه و الماسی - ترجمه فرموشی (مترجم همایون)

بدین ترتیب نسبت انواع تولیدات اصلی زینت آلات
فیروزه بدین ترتیب است.
۱۰۰ انگشتر
۶۰ سنجاق
۳۰ دستبند و گردن بند
۲۰ گوشواره
۱۰ دکمه‌ی سردست.

اشیاء فنی زینتی

علاوه بر زینت آلات زنانه و مردانه که به آن اشاره کردیم
با استفاده از فیروزه بخصوص «فیروزه‌ی ریزه» اشیاء مختلفی
را زینت میدهند و می‌روشند از این قبیل: قلیان - چپق، نی -
سیگار، دسته‌ی شمشیر - قاب قرآن - صندوقچه - عصا - مجسمه -
سنجاق کراوات و نیز آویزه‌هایی بشکل قلب و تخم مرغ نیز
میسازند همچنین آیاتی از قرآن کریم را با استفاده از فیروزه‌ی
تخت بصورت تابلوهایی زیبا در می‌آورند. علاوه بر این کلمات
مقدسی از قبیل «الله» و اسامی ائمه - بخصوص «حضرت علی
(ع)» و «اسام» «پیامبر» (حضرت محمد (ص)) را از فیروزه
میشناسند. از فیروزه‌ی «شجره‌ی» اشیاء زینتی بشکل کاسه،
بشقاب و همچنین انواع پرندگان بخصوص طاووس می‌سازند.
و نیز صلیب‌هایی از فیروزه برای آویز کردن ارمانه می‌شناسند.
از کارهای معروف فیروزه در مشهد چهار مخروط (قه) فیروزه
فیروزه نشان است در چهار گوشه‌ی ضریح جدید حرم مطهر
حضرت رضا (ع) که در حدود ۱۸ سال پیش ساخته شده و
نصب گردیده است، و با زیبایی خاص خود انظار زوار را جلب
میکند. هر مخروط ۲ هزار فیروزه دارد که برطلای ناب
«مخراچی» شده است.

فیروزه‌های این چهار مخروط کار «مصطفی دری» است و
مدیرعامل شرکت سهامی فیروزه - آخرین مستاجر معدن
فیروزه -، اهداء کرده است. همچنین در بالای ضریح عقیق حرم
مطهر ضمن جواهرات دیگر فیروزه هم بصورت حاشیه‌ی
روی طلا مخراچی شده است.

دیگر از کارهای جالب فیروزه در مشهد چهارده کتیبه
ترنجی شکل بنام چهارده معصوم است که از «فیروزه‌ی ریزه»
ساخته شده و وسط هر ترنج فیروزه نام یکی از معصومین از
طلا بریده شده است و کار محمود زورمند است.

ضمناً مخروطی یکپارچه و نسبتاً درشت به رنگ آبی سیر
در صحن عتیق، زیر نقاره‌خانه آویخته است مردم معتقدند که
تماماً از فیروزه‌ی اصل است. و ارزش آن را معادل ۱۰ بار
بازسازی صحن مطهر میدانند. ولی صاحب نظران فیروزه در
مشهد این نظر را بر اساس میدانند شاید جنس این مخروط نوعی
کاشی باشد.

مشخصات بهترین نوع فیروزه‌ی تراشیده

الف - مشخصات فیروزه عجمی خوب
۱- رنگ آسمانی سیر دارد.
۲- درشت است.
۳- رگه و لکه ندارد.
۴- «خط فارسی» نگین (خط دو رنگین) متناسب است.
۵- ضخامت فیروزه زیاد است.

۶- «برس» ندارد (برس، ذرات ریز و سفید آهک را
گویند) چه اینکه این ذرات روغن و آب را بخود جذب میکند
و موجب فساد فیروزه می‌شود.

۷- وزن مخصوص آن نسبت به دیگر فیروزه‌های هم حجم
زیادتر است.

ب - مشخصات فیروزه شجری خوب

۱- به رنگ آبی سیر است.

۲- درشت است.

۳- رگه‌های سیاه دارد.

۴- رگه‌های آن نقش زیبایی ایجاد کرده است (اگر این
نقش بشکل درخت یا پرندگی یا کلمه مقدسی نزدیک باشد،
به چنان فیروزه‌ی قیمتی استثنایی میدهد چنانکه حکایت می‌کنند
که در زمان ناصرالدین شاه قاجار فیروزه‌ی شجری از معدن
نیشابور استخراج می‌شود که پس از تراش متوجه می‌شوند
رگه‌های طبیعی آن در کلمه «خلاق کریم» را نقش کرده،
ناصرالدین شاه قاجار خواستار آن بوده است گویند در آن
روزگار این فیروزه بیست هزار تومان قیمت داشته است.)

تقلب فیروزه

بعضی از فروشندگان دوره گرد ناشناس با عوض کردن
رنگ فیروزه بطور مصنوعی، آن را بعنوان فیروزه مرغوب
و با قیمت‌های گزاف به مشتریان بی اطلاع و ناشناس می‌فروشند.
شیوه‌ی تقلب آنان بدین طریق است:

فیروزه‌ی سفید رنگ را در «روغن بادام» یا «مذاب» و
یا در آب می‌اندازند بدین ترتیب رنگ فیروزه سفید برای مدتی
بطور موقت به آبی سیر بدل می‌شود.

اما پس از آنکه خریدار مدتی آنرا نگهداشت و آب آن
خشک شد و یا روغن پرید فیروزه به رنگ اصلی خود بر-
میگردد.

۱- مخراچی = سب نگین را بر روی انگشتر یا دیگر زینت آلات
گویند.

گاه نیز بجای سنگ فیروزه نگین‌های شیشه‌یی آبی‌رنگی
میتراشند و بنام فیروزه به مشتریان ناآگاه و ساده‌لوح
مینروشند.

روش محافظت فیروزه‌ی خوب

فروشنندگان فیروزه معتقدند که برای نگهداری رنگ و
دوام فیروزه باید آنرا از انواع عطرها و ادکلن‌ها و چربیها
و همچنین مروارید دور نگهداشت. و نیز هر دو سال یکبار
آنرا جلا داد. تا چربی آن پاک شود. بهترین ماده برای جلا
فیروزه و رفع چربی آن گل زائد دستگاه فیروزه‌تراشی است.

مشتریان فیروزه در مشهد

مشربان فیروزه و جواهرات فیروزه‌نشان در مشهد اغلب
زائران و مسافران ایرانی و جهانگردان خارجی و بیشتر خانمها
هستند. اکثر مشتریان فقط توجه به رنگ فیروزه دارند و فیروزه
را به شیوه‌ی مقایسه انتخاب می‌کنند بدین معنی که چند نگین
هم‌شکل و هم‌جنس را کنار هم می‌چینند و هر کدام خوش‌رنگ‌تر
باشد برمیگزینند.

جهانگردان فرانسوی بیشتر فیروزه‌ی سبزرنگ مسابل
به‌زرد را می‌پسندند و مشربان آمریکایی فیروزه‌ی «عجمی» و
یا «شجری» رگه‌شکی را ترجیح میدهند. مشتریان ایرانی
فیروزه دوگروه هستند؛ گروهی که فیروزه را فقط بقصد تجمل
می‌خرند و معمولاً زینت‌آلات فیروزه‌نشان را که همراه با برلیان
و دیگر جواهرات گرانبهاست انتخاب می‌کنند. گروه دیگر
آنانی هستند که فیروزه را به اعتقاد تبرک و تقدس می‌خرند و

اینان به فیروزه‌ی گران‌قیمت و مرغوب چندان پای بند نیستند
و اکثر آنان را طبقات کم‌درآمد تشکیل میدهند. که به زحمت
مبلغی از درآمد روزانه‌ی خود را پس‌انداز کرده‌اند تا بتوانند
با این صرّفه‌جویی از فیروزه این سنگ پاک و مقدس انگشتی
تهیه کنند.

اعتقادات عامیانه درباره‌ی فیروزه

در میان مردم مشهد و فیروزه‌تراشها و جواهرسروشها
اعتقاداتی درباره‌ی فیروزه وجود دارد:

- ۱- فیروزه سنگی مقدس است.
- ۲- نمازگزاری که بهنگام نماز انگشتی فیروزه بر
انگشت داشته باشد يك ركعت نماز او در پیشگاه پروردگار
هفتاد ركعت پذیرفته میشود.
- ۳- هر کس بامدادان به فیروزه نظر افکند دلشاد می‌شود.
- ۴- نگاه کردن به فیروزه نور بصیرت را می‌افزاید.
- ۵- پس از اولین نظر به ماه نو اگر به فیروزه بنگرند
مبارک و خوش‌بین است.
- ۶- همراه داشتن فیروزه بر اعصاب و خون انسان اثر
نیکی دارد و موجب تسکین و آرامش می‌شود.
- ۷- همراه داشتن فیروزه نظر بد را دفع میکند.
- ۸- زنان نازا را بر فیروزه دعا می‌نویسند و انگشتی
آن را به انگشت می‌کنند تا بچه‌دار شوند.
- ۹- دستی که فیروزه به‌مراه داشته باشد تهنی‌دست
نمی‌شود.
- ۱۰- فیروزه عزت می‌آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی